
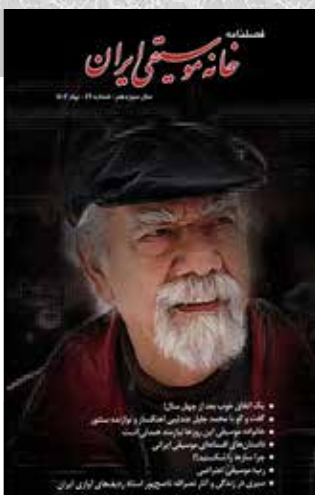


فصلنامه خانه موسیقی ایران

سال سیزدهم - شماره ۴۹ - بهار ۱۴۰۲

- 
- یک اتفاق خوب بعد از چهل سال!
 - گفت و گو با محمد جلیل عندلیبی آهنگساز و نوازنده سنتور
 - خانواده موسیقی این روزها نیازمند همدلی است
 - داستان‌های افسانه‌ای موسیقی ایرانی
 - چرا سازها را شکستید؟!
 - رپ؛ موسیقی اعتراضی
 - سیری در زندگی و آثار نصرالله ناصح‌پور استاد ردیف‌های آوازی ایران



فهرست

- یک اتفاق خوب بعد از چهل سال! / ۲
- جلسات کانون‌های خانه موسیقی در فصل بهار / ۳
- گفت و گو با محمد جلیل عندلیبی آهنگساز و نوازنده سنتور / ۴
- زنگ "درس آهنگ" نواخته شد / ۱۸
- خانواده موسیقی این روزها نیازمند همدلی است / ۱۱
- داستان‌های افسانه‌ای موسیقی ایرانی / ۱۲
- چرا سازها را شکستید؟! / ۱۵
- رپ؛ موسیقی اعتراضی / ۱۶
- «ترانه‌های اعتراضی» / ۱۸
- سیری در زندگی و آثار نصرالله ناصح‌پور استاد ردیف‌های آوازی ایران / ۲۰
- سازندگان ساز از خانه موسیقی گواهینامه هنری دریافت می‌کنند / ۲۳
- «روز جهانی موسیقی مبارک» / ۲۳
- یاد و خاطره / ۲۴
- موسیقی درمانی / ۲۷
- رخدادهای خانه موسیقی ایران در فصل بهار / ۳۰
- درگذشتگان موسیقی در فصل بهار / ۳۲

فصلنامه داخلی خانه موسیقی ایران

سال سیزدهم - شماره ۴۹ - بهار ۱۴۰۲

سرمدبیر: حمیدرضا عاطفی

دبیر تحریریه: غزل نهانی

همکاران: اعضای هیئت مدیره کانون پژوهشگران

ویراستار: صبا بهداد

مدیر هنری: افشین ضیائیان

گرافیک و صفحه‌آرایی: لیلی اسکندرپور

توزیع: سیدجواد موسوی‌زاده

خانه موسیقی شماره ۱: خیابان فاطمی غربی - نرسیده به جمالزاده - شماره ۲۷۰ - تلفن: ۶۶۹۱۷۷۱۱

خانه موسیقی شماره ۲: میدان فاطمی، ابتدای خیابان شهید گمنام، خیابان جهانمهر، نبش بوعلی سینای غربی - تلفن: ۶۶۴۸۲۰۷۴

www.iranmusic.ir

* دیدگاه نویسندگان فصلنامه الزاماً مبنی بر موضع رسمی نهاد خانه موسیقی نیست.



*حمیدرضا عاطفی

یک اتفاق خوب بعد از چهل سال!

و حقوق شهروندان و هنرمندان دفاع نمی کنید! امیدواریم این نوع برخورد انسانی و قانونی و حق مدارانه که موجی از سرخوشی و خشنودی هنرمندان را در پی داشت تعمیم داده شود و در نقاط مختلف کشور ساری و جاری شده و همه بدانند که فعالیت در چارچوب قانون مصون از هر آزار و ایذایی است و هر کس در هر مقام و جایگاهی که بخواهد با برنامه‌های مجوز دار تعرض و اهانتی بکند بلافاصله با واکنش نهادهای ذیربط مواجه خواهد شد و قوه ی قضاییه باید بدون درنگ با عوامل مزاحم مدنیت و قانونمداری برخورد مقتضی نماید.

یکی دیگر از رخدادهای قابل تامل و مستمر، پیرامون خانه موسیقی تشکیل باشگاه موسیقی و نشست‌های بدون وقفه و هفتگی این باشگاه است که به طور مرتب دوشنبه‌های هر هفته و با حضور جمعی از جوانان با انگیزه، دغدغه‌مند و فعال حوزه ی موسیقی در محل خانه موسیقی تشکیل می‌شود. این جمع که با همدلی، صراحت و رفاقت به بیان نظرها، خواسته‌ها و دیدگاه‌های خود می‌پردازند نمونه و الگوی مناسبی برای گردهمایی و همگرایی فعالان حوزه ی موسیقی است که بدون هیچ چشمداشتی با صرف وقت و بی بهانه به اعتلای فرهنگ و هنر ملی ایران می‌اندیشند و به آینده ی آن امیدوارند.

دست آخر اینکه در واپسین روزهای بهاری خبر ناگوار درگذشت استاد نصرالله ناصح پور جامعه ی فرهنگی را در غم و اندوه فرو برد و کام همه را تلخ کرد. مردی شریف، متواضع و بزرگوار که در حوزه ی آموزش آواز ایرانی زحمات فراوانی متحمل شد و شاگردان زیادی تربیت کرد.

ناصر پور سالها در اعتلا و تقویت خانه موسیقی مشارکت و دغدغه داشت و در سمت‌های مختلف اوقات گرانبهایش را صرف فعالیت‌های صنفی می‌کرد.

در مراسم تشییع این مرد بزرگ هریک از دوستان و همراهانش از جمله داوود گنجه‌ای، داریوش پیرنیکان، حسین علیزاده و حمیدرضا نوربخش در وصف کمالات و فضیلت‌های ناصر پور سخن گفتند و یادش را گرامی داشتند. گزیده‌ای از سخنان این عزیزان در گزارش تشییع پیکر استاد در همین فصلنامه تقدیم مخاطبان شده است.

* سردبیر

در فصلی که گذشت برگزاری کنسرت‌های پاپ به طور بی سابقه‌ای اوج گرفت به حدی که تمامی سالن‌ها و تالارهای با ظرفیت بالا تا آغاز ماه محرم حتی یک شب هم خالی نمانده است و شگفتا که سهم موسیقی ایرانی (سنتی یا ردیف دستگاه) در این میان تقریباً صفر بوده است! آیا این همه دستگامه‌های فرهنگی که از بودجه‌های دولتی ارتزاق می‌کنند نباید فکری برای این مسأله بکنند؟ مدیران به اصطلاح فرهنگی برای این روند خطرناک که قطعاً به اضمحلال کامل فرهنگ موسیقایی و هویتی ایران ختم می‌شود نباید چاره‌ای بیندیشند؟ هرچند که سالهاست به این نکته اشاره و تاکید شده است که برای پاسداشت و نگهداری از ارزشهای اصیل و فرهنگی ایران قطعاً حمایت و پشتیبانی نهادهای فرهنگی لازم و ضروری است اما متأسفانه کمتر به این مهم اهمیت داده می‌شود و در واقع یک عزم ملی نیاز است تا اتفاق درخوری در این عرصه رقم بخورد.

اما در میان این همه سرخوردگی و نومیدی و گله مندی‌های مکرر جامعه فرهنگی و بعد از چند دهه بی توجهی به خواسته و مطالبات بحق اهالی فرهنگ و هنر بویژه هنرمندان عرصه ی موسیقی، خوشبختانه برای اولین بار اتفاق فرخنده‌ای رقم خورد و آن هم واکنش و مقابله ی به موقع و بجای عوامل وزارت ارشاد و مخصوصاً واحد حراست تالار وحدت با بر هم زندگان نظم و آرامش بود.

چند نفر از عوامل به اصطلاح خودسرها (که از نظر راقم این سطور خودسرها اصطلاح غلط و گمراه کننده‌ای است چرا که اینها هرگز سر خود دست به این آشوب و بی نظمی نمی زنند و قطعاً «سر» یا سران دیگری به آنها خط داده و می‌دهند) تحت لوای عفاف و حجاب اواخر خرداد ماه به کنسرتی در تالار وحدت هجوم برده و به ضرب و شتم مردم و مخاطبان بی گناه می‌پردازند و خوشبختانه حراست تالار به حمایت از مردم و در واقع در مقام صیانت از قانون و حفاظت از برنامه ی دارای مجوز قانونی برخاسته و نمی‌گذارند که برنامه به هم بخورد و این وظیفه شناسی و غیرت آنها قابل تقدیر و تمجید است و متعاقب این اتفاق، حمایت و موضع گیری صواب و بحق وزیر ارشاد نیز موجب دلگرمی و خرسندی جامعه فرهنگی شد و این یکی از همان مطالبات مهم سالیان سال هنرمندان است که ای مسئولان و مدیران چرا پای قانون و مجوز خودتان نمی‌ایستید و چرا از حق

جلسات کانون‌های خانه موسیقی در فصل بهار



به وضعیت اعضا خود رسیدگی کردند. البته در میان آرامش تمام کانون‌ها، جلسه کانون سازندگان ساز با تنش‌هایی مواجه شد و بازرس این کانون از جلسه هیئت مدیره کانون سازندگان ساز اخراج شد.

از آنجایی که این اتفاق با اصول آیین نامه در تناقض است هیئت مدیره خانه موسیقی ایران به این اتفاق واکنش نشان داد. هیئت مدیره خانه موسیقی ضمن ابراز ناراحتی از بروز این اتفاق که دور از شان یک مجموعه فرهنگی است، ابراز امیدواری کرد که بازرس و اعضای هیئت مدیره کانون سازندگان ساز با همدلی و همراهی و حسن نیت بیش از پیش با هدف خدمت به جامعه فرهنگی در حوزه ساز سازی گام‌های موثرتری بردارند و با خرد جمعی از بروز چنین اتفاقات تلخی ممانعت به عمل آورند و خانه موسیقی زین پس شاهد اتفاقاتی از این دست نباشد.

از جمله وظایف کانون‌های خانه موسیقی ایران رسیدگی به پرونده اعضا و بررسی مشکلاتی مانند بیمه، رفع نواقص پرونده و ..است. اما بسیاری از این جلسات با برگزاری آزمون‌هایی هم همراه است. آزمون‌هایی برای افرادی که متقاضی عضویت در خانه موسیقی هستند.

برخلاف تصور بسیاری از ما این آزمون‌ها که گاه به سخت‌ترین شکل ممکن برگزار می‌شود و علاقه‌مندان در شرایطی به عضویت کانون درمی‌آیند که به معنای واقعی بر کار خود مسلط باشند.

هرچند در بسیاری از مواقع فرصت‌های دیگری برای علاقه‌مندان در نظر گرفته می‌شود تا ضعف خود را برطرف کرده و باز در آزمون کانون‌ها شرکت کنند.

در فصل بهار سال ۱۴۰۲ مطابق معمول کانون‌های خانه موسیقی به ترتیب برنامه ارائه شده جلسات خود را برگزار کرده و





گفت و گو: آرپژ تیموریان

گفت و گو با محمد جلیل عندلیبی آهنگساز و نوازنده سنتور

با موسیقی نمی‌توان دروغ گفت

سردبیر فصلنامه پیشنهاد کردم با توجه به سابقه ی بارجناب عندلیبی، گفت و گویی برای این شماره فصلنامه با استاد انجام دهم که با استقبال مواجه شد. آن چه می‌خوانید ماحصل این گفت و گوی دو ساعته است.

در روز سوم اردیبهشت ماه برای انجام کاری به خانه موسیقی رفتم که مطلع شدم خانه موسیقی ایران در حرکتی نیک، برای استاد جلیل عندلیبی تولد گرفته اند که البته خود استاد از این موضوع بی اطلاع بود! همان جا به

دورانی که به سن بلوغ رسیدم متوجه دورگه شدن صدایم شدم که تقریباً مانعی برای اجرای صحنه‌ای ام بود... سال‌های چهل و پنج، چهل و شش، تلویزیون سیاه و سفید تازه به سنج آمده بود و من در برنامه‌های تار نواختن استاد جلیل شهنازرا دیدم و بسیار به این ساز علاقه مند شدم؛ به پدرم اصرار کردم که یک تار برای من تهیه کند اما نمی‌دانم چرا نشد؛ به هر حال قسمت نشد اما به جای تار برایم سنتور گرفتند به قیمت شصت و پنج تومان... خودتان می‌دانید فراگیری سنتور دردسر زیاد دارد چون گوش من با صدا آشنا بود از همان یکی دو هفته اول حس کردم سیم‌های سنتور کوک نیست و به همین سبب تلاش کردم و خیلی زود کوک کردن سنتور را که کار سختی است فرا گرفتم.

خاطره‌ای شیرین به یاد دارم... آن موقع‌ها در سنج امکانات چندانی در زمینه فروش ساز و سیم و... نبود فقط یک مغازه بود به نام «بروقی» که صاحبش از کلیمی‌ها بود، سنتورم را هم از همان مغازه تهیه کردم و سیم سنتور هم نداشت؛ یکی از دایی‌هایم کابل‌های برق پنج رشته‌ای را می‌آورد و به اندازه طول سنتور قیچی می‌کرد و من مجبور بودم سیم‌های سفید و زرد سنتور را همه به یک شکل و از سیم سفید بیندازم.

به هر حال با این اوضاع نواختن سنتور را به صورت جدی آغاز کردم و بعد از شش ماه در ارکستری که روانشاد حسن کامکار در فرهنگ و هنر سنج تشکیل داده بود، همراه با بیژن کامکار، پشنگ کامکار، هوشنگ کامکار، آریا خانجانی، آقای نیرومند، آقای گریشاد و... مشغول به کار شدیم. بعدها، زنده یاد محمدرضا لطفی که برای دوره سربازی به سنج آمده بود در این ارکستر حضور یافت.

در کنار موسیقی به تحصیلات هم ادامه دادید؟

بله؛ دیلم من ریاضی بود، در کنکور دو رشته را قبول شدم اول مهندسی فنی دانشگاه تهران و دوم رشته موسیقی دانشگاه هنرهای زیبا دانشگاه تهران. حدود سه ماه به کلاس‌های دانشگاه



لطفاً ابتدا مختصری از شرح حال خودتان بگویید؟

من متولد سوم اردیبهشت هزار و سیصد و سی و سه در شهر هنر پرور سنج هستم و در یک خانواده اهل عرفان و ادبیات و موسیقی به دنیا آمدم. جد من خلیفه عبدالصمد عندلیبی است که بسیار به ایشان افتخار می‌کنم. ایشان نوازنده حرفه‌ای دف و خواننده بود و در مراسم آیینی می‌خواند. پدرم حاج عبدالخالق عندلیبی هم نوازنده ویولن بودند. از طرف مادری، حاج حبیب الله نوبری که از طبیبان طب سنتی و ملاکین بزرگ بود و حجره‌ای داشت که مردم برای معالجه جلوی آن صف می‌کشیدند و دایی‌های من حکمت نوبری و بدیع نوبری هم خواننده بودند. مادرم به شدت مشوق ما بود. گوش من به واسطه این خانواده فرهنگی از کودکی با شعر و ترانه آشنا شد. از ده سالگی کار موسیقی را با خوانندگی شروع کردم و در چندین کنسرت به عنوان خواننده به روی سن رفتم که عکس‌های آن موجود است. در

موسوی، بهزاد فروهری، ناصر فرهنگ فر، علی اکبر شکارچی، عطا جنگوک، منصور سینکی، محمود فرهمند و بسیاری دیگر همه و همه از شاگردان حفظ و اشاعه موسیقی بودیم و پشتوانه ما دکتر صفوت و نورعلی برومند بودند که باید مدیون ایشان باشیم. دکتر صفوت به ما آموخت که مهم تر از ساز و موسیقی، مسائل معنوی است. او دریچه خود شناسی را بر روی ما گشود. کلاس دکتر صفوت بیشتر کلاس زندگی بود تا کلاس موسیقی او تمام تلاشش را می کرد که به ما یاد دهد به عنوان یک هنرمند در اجتماع چه باید بکنیم و هر کدام در حد توانایی مان از ایشان آموختیم و توشه ها اندوختیم.

در همان اواسط دهه پنجاه شما کار با گروه مشتاق را به سرپرستی و آهنگسازی خودتان ادامه دادید؟

دکتر صفوت نه تنها استاد موسیقی که اندیشمند و فیلسوف موسیقی بودند. هر چه استاد پیشکسوت در موسیقی داریم اکثرا دست پرورده استاد داریوش صفوت هستند

بله - اتفاقاً عزیزانی چون منصور سینکی - محمد علی کیانی نژاد - بهزاد فروهری - پروانه حاج غلام حسینی - محمود فرهمند - جمیل عندلیبی - فرشید عندلیبی همراه با استاد رضوی سروستانی حضور داشتند و به تشویق دکتر صفوت به فعالیت پرداختیم که البته بعد از یک سال نام گروه را به مولانا تغییر دادم و کنسرت‌هایی را در سال‌های پنجاه و چهار و پنجاه و پنج اجرا کردیم. در سال پنجاه و شش به مناسبت و حمایت از زلزله زدگان طیس در تاریخ بیست و سوم مهرماه در تاتر شهر سه شب به اجرای برنامه پرداختیم که آهنگسازی آن به عهده خودم بود و اتفاقاً خیلی مورد استقبال قرار گرفت... آن برنامه اولین کنسرت رسمی من محسوب می شد؛ در آن برنامه من به طور هم زمان از دو ساز دف استفاده کردم که تا آن زمان هیچ گروهی این کار را انجام نداده بود. از همه مهم تر این بود که کار مورد تشویق دکتر صفوت قرار گرفت. آن مرد بزرگ به هیچ وجه مانعی برای ایفای خلاقیت‌ها نمی شد. جالب آنکه آلبوم این کنسرت دو سال پیش با عنوان تولد دو دف منتشر شد. جا دارد در این جا از زنده یاد دکتر گلشن ابراهیمی (مؤسس فرهنگستان صوتی) به نیکی یاد کنم که نزدیک به چهل و پنج سال از این اثر صوتی محافظت کرد.

فنی رفته ولی چون علاقه نداشتیم، سریع تغییر رشته دادم و به دانشگاه هنرهای زیبا رفتم. در دانشگاه استادان برجسته‌ای داشتم ... استاد برکشلی، خانم پری برکشلی، دکتر تقی مسعودیه، داریوش صفوت، نورعلی خان برومند، احمد پژمان، شاهین فرهنگ، هرمز فرهنگ و... خدا را شکر می کنم که من از این موقعیت و اساتید به نحو احسن استفاده کردم. به یاد دارم زمانی که دانشجو بودم، خانه ام در میدان امام حسین فعلی بود، درب دانشگاه ساعت شش صبح باز می شد و من هم ساعت پنج صبح بیدار می شدم و سریع خودم را به دانشکده می رساندم تا من اولین نفر باشم که پیانو را در اختیار بگیرم چون آن جا فقط سه پیانو برای تمرین وجود داشت... آن زمان شور و عشق یادگیری و تمرین چنان بود که به هیچ وجه از یادگیری خسته نمی شدم و خوشبختانه آن زحمات نتیجه داد و من توانستم آثاری خلق کنم و تأثیری داشته باشم.

شما با آواز شروع کردید و در ادامه به انواع سازها روی آوردید و در نهایت ساز سنتور را به عنوان ساز تخصصی برگزیدید اما در دانشگاه علاوه بر پیانو ساز دیگری هم نواختید؟

بله - فاگوت ساز سوم من بود.

استادتان در ساز فاگوت که بود؟

آقای پرژاف اهل کشور بلغارستان. ایشان بسیار انسان شریفی بودند.

در چه حدی فاگوت می نواختید؟

در حد نوازندگی سونات.

شما به ارکستر اپرا هم دعوت شدید... درست است؟

بله - حدود سال‌های پنجاه و پنج بود که من به ارکستر اپرا به رهبری فرهاد مشکات دعوت شدم. باید بگویم در این سال‌ها بسیاری از اساتید موسیقی غربی تلاش می کردند که من جذب موسیقی کلاسیک شوم و استاد مسلمی چون دکتر داریوش صفوت هم دنبال کشف استعدادهایی برای موسیقی ایرانی بودند که بالاخره در همان سال‌ها با گفتگوهای بسیار با دکتر صفوت جذب موسیقی ایرانی شدم. دکتر صفوت نه تنها استاد موسیقی که اندیشمند و فیلسوف موسیقی بودند. هر چه استاد پیشکسوت در موسیقی داریم اکثرا دست پرورده استاد داریوش صفوت هستند؛ البته که نورعلی خان برومند هم در آن زمان تأثیرات فراوانی داشتند اما من به یاد دارم که تمام تحلیل‌ها و آنالیزهای موسیقی کهن و توضیح مکاتب مختلف را دکتر صفوت برای ما انجام دادند. باید بگویم در آن زمان مرکز حفظ و اشاعه موسیقی امکانات ویژه‌ای برای هنرمندان قائل بود. داریوش پیرنیاکان، مجید کیانی، مارتا مانی زاده، داوود گنجه ای، محمد مقدسی، محمدعلی کیانی نژاد، پرویز مشکاتیان، حسین علیزاده، حدادیان، محمدرضا لطفی، داریوش طلائی، محمد

بودید؟

بله - چون من استخدامی وزارت فرهنگ و هنر سابق بودم بعد از انقلاب، یعنی در زمان وزارت ارشاد اولین گروه موسیقی سنتی (گروه مولانا) را سرپرستی کردم که تا سال هشتاد و شش ادامه داشت؛ بعد از اینکه جشنواره موسیقی راه اندازی شد تا سه چهار دوره فقط گروه من بود که به عنوان گروه موسیقی سنتی شرکت می کرد .

کنسرت‌های بسیاری را با خوانندگانی چون شهرام ناظری، صالح عظیمی و... همراه با گروه مولانا به روی صحنه بردم. اثر «هی گل» را در سال شصت و چهار اجرا کردم که آلبوم آن سه، چهار سال بعد منتشر شد.

شما که از سال‌های قبل با گروه سازهای ایرانی کار کرده بودید به چه هدف گروه سه تار نوازان تشکیل دادید؟ خواستم ژانر موسیقی عرفانی را جدا کنم.

سال هزار و سیصد و شصت آلبوم شعر و عرفان را با صدای شهرام ناظری منتشر کردید که با استقبال فراوانی روبرو شد و هنوز هم جایگاه خودش را حفظ کرده است؛ در این باره بگویید؟

در آن سال‌ها سرودهای انقلابی بسیاری ساخته می شد اما اولین آلبومی با فضای موسیقی آن موقع تفاوت زیادی داشت، آلبوم شعر و عرفان بود که می توانم بگویم هنوز هم جزو موسیقی های مرجع به حساب می آید. تا سال شصت و شش چند کنسرت و آلبوم با آقای ناظری کار کردم. کنسرت‌های بسیاری هم با علیرضا افتخاری به اجرا درآمده است همچنین اجراهای بسیاری را با خوانندگان کرد به روی صحنه برده ام.

به غیر از گروه مولانا دو ارکستر دیگر را هم رهبری کرده اید. از آن‌ها برای ما بگویید؟

ارکستر موسیقی دفتر موسیقی - ارکستر موسیقی اقوام. که ارکستر موسیقی اقوام حدود شصت نوازنده داشت اما در ادامه ی راه متأسفانه کار شکنی‌های بسیاری شد و در نهایت این ارکستر نتوانست ادامه حیات دهد.

در دهه هفتاد و هشتاد شما چند آلبوم مانند امان از جدایی - خداحافظ - تازه به تازه - غریستان را با آقای افتخاری منتشر کردید و فضای جدیدی در موسیقی احساس شد که تا آن زمان کمتر شنیده شده بود مثلاً در استفاده از سازهای زهی، سازهای ایرانی. لطفاً بفرمایید چطور در تنظیم و آهنگسازی به این فضا دست یافتید؟

من در یک مقطع از ترکیب زهی فیچک آلتو، دو کمانچه و خانواده زهی‌های غربی و سازهای بیس استفاده کردم. بسیاری اعتقاد دارند که از آلبوم غریستان به بعد یک ژانر در موسیقی ایران خلق شده است! کلیت این قطعات را برای سازهای ایرانی نوشتم اما زیر سازی آن را با کنترباس و ویولنسل پر کردم . من



دقیقاً در همین سال‌ها گروه‌هایی چون شیدا و عارف و کمی بعدتر چاووش هم مشغول به فعالیت بودند.

درست است. و در همین زمان هم بود که ایدئولوژی وارد ذهن هنرمندان شد!

ضمناً در همین زمان ارکستر استاد فرامرز پایور هم مشغول به فعالیت بود؟

بله - ایشان ارکستر بسیار خوب و قوی داشتند و بسیار زحمت کشیده اند.

آیا گروه پایور تحت شعاع جریان‌های سیاسی اجتماعی موسیقایی قرار گرفت؟

خوشبختانه خیر. همین جا باید عرض کنم که هنوز ما آنچنان که شایسته است قدر استاد پایور را ندانسته ایم و من شخصاً همیشه یکی از اردتمندان ایشان هستم. به نظر من هنوز عظمت استاد پایور در حد و اندازه‌ای که بود آشکار نشده است.

باز گردیم به موضوع حفظ و اشاعه و گروه‌هایی که آن جا مشغول فعالیت بودند!

تا سال پنجاه و شش دو ارکستر دیگر هم در آن جا مشغول فعالیت بود. ارکستری به سرپرستی حسین علیزاده و در یک مقطعی هم گروه داریوش طلایی و گروه مولانا. اجرایی هم با گروه مولانا به آهنگسازی خودم در برنامه گلچین هفته داشتیم که البته از آن خاطره خوبی ندارم.

پس در آن سال‌ها بسیار فعال بودید؟

بله - چند جای مختلف تدریس می کردم. حتی روزهای پنجشنبه و جمعه از طرف وزارت فرهنگ و هنر برای تدریس به خرم آباد می رفتم.

شما بعد از انقلاب هم گروه مولانا را نگه داشتید و فعال

نکردن متولیان موسیقی مخصوصا سازمان صدا و سیما و وزارت ارشاد و مدیران غیر فرهنگی که فقط از روی رابطه سر کار آمدند و اکثر آن‌ها تخصصی در زمینه موسیقی ندارند

موسیقی آوازی ما در این بیست و چند سال گذشته بر اثر تقلید یکنواخت شده و این تقلید باعث تخریب موسیقی سنتی شد. آهنگسازی‌ها هم که منحرف شد و با کمک گرفتن از سازهای غربی مانند گیتار، درامز، گیتار بیس در موسیقی سنتی فقط آلودگی‌های صوتی ایجاد می‌کنند. با این اوصاف معلوم است که موسیقی ملی ما بیمار می‌شود. خدا می‌داند که این وضع به کجا خواهید کشید. در این جا باید دعوت کنم از آهنگسازان خوب که دوباره وارد عمل شوند، دست به دست هم دهیم و نگذاریم این اتفاقات ناگوار برای موسیقی ایران بیفتد و کشتی موسیقی سنتی ایرانی را به ساحل آرامش برسانیم. اگر صدا و سیما کمکی نمی‌کند فضای مجازی بستر بسیار مناسبی است که موسیقی ملی معاصر را نجات دهیم.

آینده موسیقی ایران را چگونه می‌بینید؟

آینده موسیقی ایران را با توجه به مسؤلانی که می‌بینیم متأسفانه چندان روشن نمی‌بینم. تازه امروز، روزهای خوب موسیقی است که داریم سپری می‌کنیم. متأسفانه موزیسین‌ها

تمام تلاش‌هم را با دقت تمام در ارکستراسیون آثارم انجام می‌دهم و عمدا هم می‌خواستم تنوعی در موسیقی سنتی به وجود بیاورم. حقیقت این است که خوشبختانه هر ژانری را آغاز کردم با استقبال خواص هم مواجه بوده است.

من با آلبوم خداحافظ خواستم با موسیقی خداحافظی کنم و البته ده سال به علت اعتراض به عدم رعایت قانون کپی رایت و کپی و قاچاق آثارم هیچ فعالیتی انجام ندادم.

بسیاری از آثار شما به طور مثال آلبوم تازه به تازه، آثار شادی هستند اما سطحی نیستند. شما به عنوان آهنگساز چه فاکتورهایی را برای این ویژگی رعایت می‌کنید؟
موسیقی‌های من پویایی دارد - دارای حرکت است و از عرفان بهره می‌برد. در انتخاب اشعار بسیار دقت می‌کنم و معمولا اشعاری از قدما انتخاب می‌کنم. شاید بتوانم بگویم که اکثر آهنگ‌های من روی اشعار قدماست.

شما اول شعر را انتخاب می‌کنید و بر روی آن آهنگ می‌سازید و یا برای آهنگ ساخته شده شعر انتخاب می‌کنید؟
معمولا اول شعر را انتخاب می‌کنم و بر مبنای شعر آهنگ می‌سازم.

شما علاوه بر آهنگساز بودن، نوازنده حرفه‌ای هم بوده و هستتید. چگونه می‌توان این دو خصوصیت را با هم حفظ نمود؟

بر این باورم که موزیسین دو اصل مهم را باید حفظ کند. باید از جهت فیزیکی بدنش همیشه آماده نوازندگی باشد که این اصل فقط با ورزش فراهم می‌شود. من از زمانی که دانشجو بودم هر روز ورزش می‌کردم و هنوز هم ورزش ام پابرجاست. دومین مسئله حفظ روحیه و پیوند با عرفان است که روانی سالم برای انجام آهنگسازی و نوازندگی را ایجاد می‌کند.

نظر شما درباره فعالیت موزیسین‌ها در فضای مجازی چیست؟

حدود دو دهه پیش که کار در فضای مجازی رونق گرفت بسیار مخالف بودم... اما با گذشت زمان دیگر مخالفت با این پدیده بی‌حاصل است و باید از آن استفاده کرد... به هر حال هنرمندان هم می‌توانند از این امکانات در جهت اهداف خود بهره مند شوند. من خودم ابتدا با اینستاگرام مخالف بودم اما هم‌سرم که ایشان هم از هنرمندان جوان خوش آتیه است، مرا تشویق و همراهی کرد تا در این فضا فعالیت داشته باشم. بعد از آغاز فعالیتم متوجه شدم که می‌توانم از این محیط بهره خوبی ببرم.

وضعیت فعلی موسیقی ایران را چگونه می‌بینید؟

موسیقی ایرانی بویژه موسیقی به اصطلاح سنتی حدود بیست سال است که در وضعیت بحرانی به سر می‌برد. بر اثر حمایت

موسیقی‌های من پویایی دارد
دارای حرکت است و از عرفان
بهره می‌برد. در انتخاب
اشعار بسیار دقت می‌کنم و
معمولا اشعاری از قدما انتخاب
می‌کنم. شاید بتوانم بگویم که
اکثر آهنگ‌های من روی اشعار
قدماست

بسیار مقهور فضای مجازی شده اند ... نمی‌دانم چرا ما ایرانی‌ها داشته‌هایمان را از دست داده ایم و به قول حافظ آنچه خود داریم از بیگانه طلب می‌کنیم ما چرا باید پیرو راه غربی‌ها بشویم در حالی که فرهنگ خودمان بسیار غنی و پر بار است. فقط زمانی آینده موسیقی روشن و امید بخش می‌شود که همین امروز رسانه‌ها و در راس آن صدا و سیما و همچنین وزارت ارشاد عملکردشان را متحول کنند. در پست‌های کلیدی موسیقی، متخصص‌ها بر کرسی ریاست بنشینند نه افرادی که هیچی از هنر و موسیقی نمی‌دانند. تا این وضعیت ادامه داشته باشد آینده ما روشن نیست.

فقط باید دعا کنیم همین چراغ کم نوری هم که از موسیقی مانده است بر اثر سرطان که دامان موسیقی را گرفته خاموش نشود.

زنگ "درس آهنگ" نواخته شد

قرار شد کلاس‌های آموزش آنلاین موسیقی با نام «درس آهنگ» با حضور اساتید و چهره‌های معتبر و هنرمندانی که مورد تایید خانه موسیقی هستند و کارت صلاحیت تدریس دارند برگزار شود.

برای این منظور نشست رسانه‌ای با حضور هیئت مدیره خانه موسیقی و مدیران پلتفرم اس تیج برگزار شد.

دغدغه آموزش از جمله موارد مورد بحث و از گفت و گوهای همیشگی هیئت مدیره خانه موسیقی ایران بوده و بالاخره این آرزوی چندین ساله با آشنایی با موسسه اس تیج برآورده شد.

«اس تیج» یک پلتفرم معتبر در زمینه آموزش آنلاین است و با گفت و گوهای متعدد با خانه موسیقی ایران



داریم تا مجموعه‌های آموزشی را وارد فرآیند جدیدی در حوزه آموزش‌های آنلاین کنیم که قطعاً دربرگیرنده یک دغدغه جدی است. اما به طور کلی می‌توان گفت که اصلاً دوست نداریم رقیبی برای دیگر مجموعه‌های آموزشی باشیم.

وی ادامه داد: تمام تلاش صورت گرفته که در بستر این پلتفرم مشکلات فنی فضای مجازی که در دیگر سامانه‌ها وجود داشت مرتفع شود. از سوی دیگر ما اکنون معضلی در حوزه آموزش موسیقی داریم که عمده آنها در خارج از کشور است اما با توجه به این بستر آموزشی که فراهم شده، هنرجویان می‌توانند با استفاده از هنرمندان شناخته شده از آموزش‌های آنها نیز بهره مند شوند.

نوربخش تصریح کرد: حوزه نظارت بر آموزش موسیقی موضوع بسیار مهمی است که برای آن هیچ تعارفی نداریم و در این زمینه کوتاه هم نمی‌آییم. پس مطمئن باشید در این بستر مجازی رعایت استانداردهای آموزشی نکته مهمی است که امیدوارم بتواند این بی سر و سامانی آموزشی را پایان دهد. اکنون کسانی در حوزه آموزش موسیقی حضور دارند که اصلاً صلاحیت تدریس ندارند و امیدوارم با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کارهایی که در این زمینه انجام شده شاهد ساماندهی این شرایط

در ابتدای نشست حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی ایران توضیحاتی را درباره برنامه‌های آموزشی خانه موسیقی و پلتفرمی که در این زمینه طراحی شده ارائه داد و گفت: پلتفرم اس تیج (steach) در قالب سامانه آموزش آنلاین موسیقی «درس آهنگ» خانه موسیقی ایران فعالیت خود را آغاز خواهد کرد و فکر می‌کنم چنین مسیری می‌تواند دستاوردی نوین در راستای آموزش موسیقی کشور باشد.

این خواننده موسیقی ایرانی درباره برخی از شبهات و انتقاداتی که در حوزه آموزش مجازی موسیقی در این سال‌ها مطرح شده، توضیح داد: ما در حال حاضر نیز آموزش‌های آنلاین موسیقی داریم که استادان زمان مشخصی از هفته را به این موضوع اختصاص می‌دهند. شرایطی که در دوران کرونا نیز اتفاق افتاد. اما آنچه در این پلتفرم مورد توجه قرار گرفته ایجاد شرایط جدیدی است که هم به لحاظ آموزشی و هم به لحاظ اقتصادی شرایط بهتری دارد. مدیرعامل خانه موسیقی تاکید کرد: ما از دیرباز وقتی با پیشنهادات آموزشی مواجه می‌شدیم یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی که داشتیم و داریم این بود که رقیب اعضای خودمان نشویم. الان هم که در حوزه آموزش موسیقی وارد مباحث جدی شدیم تلاش



در حال حاضر هنرمندان مستعدی وجود دارند که می‌توانیم در بستر آموزش‌های آنلاین موسیقی استعدادهای خارق‌العاده آنها را کشف کنیم و به نتایج مثبتی هم در این زمینه برسیم. پس آنچه اکنون انجام می‌پذیرد فقط آموزش آنلاین موسیقی نیست، بلکه ایجاد یک بستر برای استعدادیابی هنرمندانی است که می‌توانند

نابسامان باشیم.

داریوش پیرنیاکان رئیس هیئت مدیره خانه موسیقی ایران گفت: ما از همان ابتدا که خانه موسیقی را تاسیس کردیم یکی از مهم‌ترین نکاتی که روی آن متمرکز بودیم بحث ترویج موسیقی جدی بود. به همین منظور در زمینه آموزش این حوزه تلاش‌هایی صورت گرفت اما به دلیل مسائلی که در جامعه وجود داشت خیلی نتوانستیم به نتایج موثری در این زمینه دست پیدا کنیم. حتی در دوره‌ای تصمیم داشتیم که آموزشگاهی را در این زمینه تاسیس کنیم اما چون دیدیم این فرآیند به نوعی موازی کاری با دیگر آموزشگاه‌هاست از این تصمیم نیز منصرف شدیم.

وی افزود: با بررسی‌هایی که اخیراً صورت گرفته، تلاش کردیم تا پلتفرمی را در این زمینه طراحی کنیم که بتوانیم دسترسی معلم به علاقه‌مندان موسیقی را آسان‌تر کنیم. به هر حال اکنون در شرایطی هستیم که خیلی از هنرجویان نمی‌توانند به صورت مستقیم و رو در رو با استادان برجسته موسیقی ارتباط آموزشی برقرار کنند. بنابراین چنین پلتفرم‌های آموزشی می‌تواند نقش ارزنده‌ای برای ترویج آموزش موسیقی جدی به دورترین نقاط ایران باشد. فرآیندی که پوشش دهنده مناسبی برای هنرجویان مستقر در شهرستان‌ها برای یادگیری موسیقی است. ما امیدوار هستیم که با راه اندازی این پلتفرم آموزشی شاهد بازخوردهای خوبی در حوزه موسیقی جدی باشیم.

مسعود شعاری نوازنده، مدرس و عضو هیئت مدیره خانه موسیقی هم پس از صحبت‌های داریوش پیرنیاکان اظهار کرد: اکنون در تهران بیش از سه ساعت زمان صرف می‌شود که یک شاگرد موسیقی با معلم خود کارهای آموزشی را انجام دهد. بنابراین ایجاد چنین پلتفرمی در حوزه آموزش موسیقی می‌تواند نقش موثری برای ارتقای سطح آموزشی حوزه موسیقی ایفا کند. این هنرمند گفت: آنچه در این پلتفرم برنامه‌ریزی شده شرایط مناسبی برای آموزش موسیقی است که در عصر فناوری‌های دیجیتال می‌تواند دربرگیرنده ارزش‌های زیادی باشد روندی که می‌تواند مسائل مثبتی با همه آزمون و خطاها داشته باشد. قطعاً

حمیدرضا نوربخش: الان که در حوزه آموزش موسیقی وارد مباحث جدی شدیم تلاش داریم تا مجموعه‌های آموزشی را وارد فرآیند جدیدی در حوزه آموزش‌های آنلاین کنیم که قطعاً دربرگیرنده یک دغدغه جدی است

در قالب فرصتی که خانه موسیقی در حوزه آموزش فراهم ساخته به آینده امیدوار باشند.

وی درباره کلاس‌های آنلاین موسیقی توضیح داد: در کلاس‌های آنلاین باید مولفه‌های بسیار مهمی رعایت شود که این نیازمند فراهم آمدن تسهیلاتی است که باید صورت پذیرد. فرایندی که یک مدرس و یک شاگرد نمی‌توانند به تنهایی آنها را انجام دهند. بنابراین لازم است که چارچوبی این مسیر را مدیریت کند. خدماتی که فکر می‌کنم در سامانه‌های جدید آموزش آنلاین موسیقی می‌تواند با دقت بیشتری صورت پذیرد.

جواد محرابیان مدیرعامل پلتفرم "اس تیج" در ادامه نشست ضمن ارایه توضیحاتی در مورد این پلتفرم گفت: قبل از کرونا به این فکر کردیم که چگونه می‌توان آموزش‌های مجازی را در سراسر کشور ارتقا داد و با پدید آمدن کرونا عزم ما برای این طرح جدی تر شد.



امروز و در اقتصاد جهان دارد و متأسفانه سهم کشور ما در این مسیر و در بازار جهانی بسیار اندک است. ما معتقدیم اقتصاد هنر و آموزش‌های مجازی در عرصه هنر می‌تواند راهگشا مناسبی برای برنامه‌های آینده باشد.

در ادامه جواد محرابیان تأکید کرد تمام اساتید موسیقی که مورد تأیید خانه موسیقی باشند می‌توانند در این پلتفرم تدریس کنند و ما امیدواریم موسیقی مقامی و محلی و سایر بخش‌های موسیقی در این مسیر بیش از همیشه مورد توجه قرار گیرد.

بعد از اطلاع رسانی‌ها مجموعه آموزش آنلاین «درس آهنگ» فعالیت خود را شروع کرده و علاقه‌مندان موسیقی و تمام هنرجویان چه افرادی که در تهران هستند و یا علاقه‌مندان در شهرستان و خارج از کشور با توجه به توان مالی خود می‌توانند در این دوره‌های آموزشی شرکت کرده و از محتوای تولید شده هنری بهره ببرند.

آدرس مجموعه آموزش مجازی درس آهنگ

www.darsahang.com

روش پلتفرم «اس تیج» این گونه است که با اساتید مورد تأیید خانه موسیقی صحبت کرده و زمان‌های خالی آنان برای آموزش را در سامانه ثبت می‌کنیم. از طرف دیگر هنرجو بنا به توان مالی و یا زمانبندی خود می‌تواند اساتید مورد نظر خود برای آموزش را انتخاب کند. در بدو امر یک جلسه مشاوره رایگان میان هنرجو و استاد برقرار می‌شود و بنا به صلاحدید استاد هنرجو بسته آموزشی خود را تهیه می‌کند و با هر توان مالی می‌تواند از آموزش و درس‌ها استفاده کند.

وی ادامه داد: البته ماجرا به همین امر محدود نمی‌شود و تولید محتوایی در سایت انجام می‌شود که هنرجو حتی از آن محتوا هم می‌تواند بهره ببرد.

شاید باورتان نشود که علاقه‌مندی که در شهرستان زندگی می‌کنند و یا خارج از کشور هستند تا چه حد مشتاقانه مباحث را پیگیری می‌کنند و بعضاً استعداد و هوش آنها مورد توجه اساتید قرار گرفته است.

در ادامه حسین پرهیزکار از اعضا هیئت مدیره پلتفرم «اس تیج» با اشاره به اقتصاد هنر و تأثیر آن بر اقتصاد جهانی در حال حاضر گفت: اقتصاد هنر تأثیر به‌سزا و قابل توجهی در دنیای



خانواده موسیقی این روزها نیازمند همدلی است



اولین نشست ماهانه خانه موسیقی ایران در سال ۱۴۰۲ با حضور اعضا خانه موسیقی و هنرمندان برگزار شد.

به گزارش خانه موسیقی ایران، اولین نشست ماهانه خانه موسیقی ایران در سال ۱۴۰۲ با حضور اعضا خانه موسیقی و هنرمندان یکشنبه ۲۸ خرداد ماه ساعت ۱۶ در سالن اجتماعات خانه موسیقی برگزار شد.

در ابتدای مراسم حمیدرضا نوربخش، مدیر عامل خانه موسیقی ضمن خوشامدگویی به حاضران گفت: جلسات خانه موسیقی مدتی به دلیل بیماری کرونا لغو شد و در سال گذشته هم به دلیل شرایط اجتماعی امکان برپایی این جلسات محقق نشد. اما امیدوارم در سال جدید بتوانیم در کنار هم در این جلسات حضور داشته باشیم و شنونده حرف‌های اهالی موسیقی باشیم.

ما از سال گذشته جلساتی را به صورت مستمر با تعدادی از جوانان و خانواده موسیقی برگزار کردیم که روند این جلسات امید بخش بوده و امیدوارم این همدلی‌ها و همراهی‌ها نتایج مثبتی به همراه داشته باشد زیرا جامعه امروز موسیقی بیش از هر چیز نیازمند همدلی و همراهی برای حل مشکلات پیش روست.

مدیرعامل خانه موسیقی در ادامه گفت: یکی از اتفاقات خوب خانه موسیقی پلتفرم "درس آهنگ" و قدم

گذاشتن در مسیر آموزش آنلاین است. موسسه "اس تیج" با رایزنی‌ها و گفت و گوهای فراوان در این مسیر یاریگر ما شد و در حال حاضر هر علاقه‌مندی در هر کجا دنیا می‌تواند زیر نظر اساتید مجرب و مورد قبول خانه موسیقی آموزش ببیند که امیدوارم این مسیر هم سرشار از اتفاقات خوب باشد.

در ادامه مراسم حبیب الله حشمتی، متخصص آسیب شناسی صدا در مورد حنجره خوانندگان و آسیب‌های آوازی بحث کرد و اعلام کرد در حال حاضر با توجه به پیشرفت علم می‌توان با ارزیابی صدا و تصویربرداری‌های تخصصی از حنجره، بسیاری از آسیب‌های خوانندگان را برطرف کرد.

همچنین از آنجایی که دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشگاه کنتاکی آمریکا در حال پژوهش در حوزه تمرینات و آسیب‌های صدا هستند علاقه‌مندان و خوانندگان می‌توانند به شماره ۰۹۳۸۳۵۹۶۹۰۰ در تلگرام پیغام داده و در روند این پژوهش همکاری داشته باشند.

در انتهای این جلسه ارشیا دژنگار، نوازنده ویولن، مهید عرفانی، نوازنده ویولن، مبین خندان نوازنده ویولا و اهورا فریدونی نوازنده ویلن سل برنامه‌ای برای حاضرین اجرا کردند.



بهروز مبصری

داستان‌های افسانه‌ای موسیقی ایرانی

با دیماه ۱۳۴۰ شمسی است که با توجه به تاریخ تولد میرزا عبدالله فرزند وی ۱۲۰۷ ش قاعدتاً در زمان حیات پدرش از تعلیمات وی بهره مند شده و جوانی برومند بوده برای اطلاعات بیشتر به فصلنامه ماهور شماره ۸۲ زمستان ۱۳۹۷ ش مقاله ی آقای مهدی فراهانی مراجعه شود.

سوال اینجاست که در دوره پهلوی اول با توجه به تغییر اجتماع و پیشرفت ساخت سازها از جمله ساز تار بوسیله استاد یحیی متوفی ۱۳۱۲ ش و پیشرفت در نوع نواخت و پدید آمدن اساتیدی چون علی اکبر خان شهنازی (۱۳۶۲-۱۲۶۰ ش) درویش خان (۱۳۰۵ - ۱۲۵۱) و کلنل وزیری (۱۳۵۸ - ۱۲۶۶) شمسی و... دیگر از این داستان‌ها و روایتها نشنیده ایم.

تنها یک مورد نیمه طنز در مصاحبه مرحوم مرتضی خان نی داوود (۱۳۶۸-۱۲۷۹ ش) که در سال ۱۳۵۶ ش به ضبط رسیده به وسیله سرگرد علی مبشر که می گوید در باغ صاحب جم ساز میزدم فردایش گفتند که آقا شنیده ایم بلبل روی دسته ساز شما نشسته است گفتم خیر چنین نبوده اگر نرم ساز بزیند گنجشک و یا بلبل به نزدیک ساز می آید اما روی دسته ساز نمی نشیند . مجله بینا شماره ۱۲ بهمن ماه ۱۳۸۰



نایب اسدالله - استاد بزرگ نی متوفی ۱۳۰۴ ش
روح الله خالقی می نویسد دیگر از نی زنها ابراهیم آقا باشی است که استاد نایب اسدالله و خواننده زبر دستی بوده است.
سلیمان اصفهانی در نواختن نی بسیار مهارت داشته و حتی برخی او را بر نایب اسدالله ترجیح داده اند (جلد اول سرگذشت موسیقی ۲۹۹)

در بسیاری از حکایتها و داستان‌های دوره معاصر و صد ساله اخیر که برخی از آنها وارد کتب تاریخی شده و برخی دیگر بصورت شفاهی سینه به سینه در محافل نقل میشود، و امروزه بدان استناد می‌شود وقتی خوب دقت کنیم پژوهشی نو را طلب می‌کند و متوجه خواهیم شد حقیقت چیز دیگری است.
گرچه خواسته اند به آن هنرمند ارج بسیار بنهند و او را متمایز از دیگران بنمایند به چند نمونه اشاره می‌گردد.



۱- آقا علی اکبر - به عنوان نوازنده برجسته تار در دوره ناصری

روایاتی چون آموزش قسمت مغلوب از رنگ شهر آشوب (هدایت ۱۲۹۷ ش : ۱۷)

یادگیری رنگ اصول در عالم رویا، معیرالممالک (۱۳۳۶ ش - ۱۲۷۶) و از این قبیل روایتها و یا تشخیص سوره یاسین توسط شنوندگان اجرا با تار آقاعلی اکبر و یا مناجات بازساز در شب قبل از فوت در تابستان بر بام خانه (روح اله خالقی جلد اول چاپ ۱۳۷۶) در خاطرات ناصرالدین شاه بنام علی اکبر تارچی از وی به تناوب یاد کرده و او را اهل همدان معرفی کرده (در آن موقع در تقسیمات کشوری اراک جزو همدان محسوب می‌شده) این یادداشتها بصورت مرقع در آلبومی ۱۷۹ صفحه و با قطع سلطانی جلد سخت و قرمز- به مهر و دفتر اسناد دولتی سند ۱۳۲۸ ق در مرکز اسناد کاخ گلستان به شماره اموال (۵۵۱۱۸۱) محفوظ است.
در این یادداشتها از مرگ آقا علی اکبر در زمستانی سخت نامبرده که روز بعد بوسیله لوطیان پیکر آقا علی اکبر به خاک سپرده می‌شود تاریخ فوت ۱۲۷۸ ق اوایل ماه رجب بوده که برابر



سید احمد خان ۱۳۱۹ - ۱۳۳۱ ش

در کتاب روح اله خالقی سرگذشت موسیقی (جلد ۱- ۱۳۴) از سید احمد خان نامبرده که به همراه جناب میرزا حسینقلی به پاریس رفته و صفحه ضبط کرده است و از وی به عنوان آوازخوان تعزیه نام برده است و نوشته که صفحه دیگری در ماهور و دلکش همراه با آواز سید احمد تعزیه خوان داریم که اگر خواننده نداشت بهتر بود و بیشتر به تعریف و تمجید مضرب جناب میرزا حسینقلی پرداخت و در آخر نوشته تعجب اینجاست که نوازنده به آن زبردستی چرا از لحاظ انتخاب خواننده کم دقتی به خرج داده شاید هم بهتر از آنها پیدا نکرده است، که بیشتر سلیقه شخصی وی را می‌رساند تا نظر دقیق کارشناسی.

۱- آنکه عدم اطلاع دقیق روح الله خالقی از تاریخ ضبط صفحات گرامافون می‌رساند صفحه ماهور و دلکش در تهران ۱۲۸۴ به ضبط رسیده، سید احمد خان در ضبط تهران به سال ۱۲۸۴ ش ۱۳ روی صفحه با تار جناب میرزا حسینقلی ۹ اثر با تار درویش خان ۴ روی صفحه با کمانچه باقرخان و ۴ اثر باتار میرزا اسدالله خان از صفحات ضبط پاریس تنها ۸ عدد به ایران رسیده با آواز سید احمد خان است آن هم در چهارگاه و یک اثر در دشتی. جای سوال است که سید احمد خان تنها خواننده‌ای است که در

حسن مشحون می‌نویسد او را با استادانی چون سماع حضور و آقا حسینقلی در یک ردیف گذاشته اند در اهمیت مقام نایب اسدالله همین بس که گفته بود من نی را از آغل گوسفندان به دربار پادشاه بردم. (حسن مشحون تاریخ موسیقی ایران جلد ۶۱۸) نکته اینجاست که نایب اسدالله را در اخلاق و و فروتنی و بی‌ادعایی که اساتید دوران خودش او را بسیار ستوده اند بعید است این جمله از ایشان باشد من نی را از آغل ...

دوم آنکه کسی نی را در آغل برای گوسفندان نمی‌نوازد بلکه در بیابان و دشت در وقت چرای گوسفندان می‌نوازد.

سوم - در همان سال ۱۲۸۴ ش در تهران که اولین ضبط موسیقی انجام می‌شود نایب اسدالله به تهران آمده و ۶ روی صفحه با آواز آقا حسینقلی تعزیه خوان به ضبط می‌رساند و در همان موقع نیز از نی صفر خان ۶ روی صفحه با آواز علیخان نایب‌السلطنه به ضبط می‌رسد.

چهارم - خود علیخان نایب‌السلطنه نوازنده نی و خواننده بوده و در مصاحبه‌ای که در سال ۱۳۲۷ ش به چاپ رسیده زمان مصاحبه سال (۱۳۰۶) وی از نی نوازی خود و موسیقی درمانی صحبت می‌کند (مجله هنر موسیقی سال چهارم شماره ۲۹) پنجم: در خاطرات مظفردین‌شاه قید شده که شخص شاه آشنایی کامل به نوازندگی نی داشته و خود یک دسته نی نوازان ۱۱ نفره داشته است.

ششم: چهار سال بعد از ضبط ۱۲۸۴ ش در تهران در ضبط سوم در لندن ۱۲۸۸ ش اکبر خان فلوتی معروف به اکبر رشتی برادر حسین خان هنگ آفرین با ساز فلوت خود ۵۱ اثر با آواز طاهرزاده و رضاقلی خان به ضبط می‌رساند و تنها صفحات ضبط شده از ساز نی و ساز فلوت در دوره قاجاریه می‌باشد.

اصفهان با کمانچه باقرخان تصنیف گیلکی با تار درویش خان و دو تصنیف در ماهور با تار درویش خان و کمانچه باقرخان که در تفلیس ۱۲۹۱ ش به ضبط رسیده است همچنین در ضبط آثار طاهرزاده از کلمات امان امان - جانم جانم و ... بسیار استفاده و شنیده شده است.

خاطره پروانه ۱۳۸۸-۱۳۰۱ ش



نام اصلی اش اقدس خاوری است.

خاوری: به قوم هزار جات افغانستان تعلق دارد که از سال ۱۳۰۸ ق تا ۱۳۱۸ ق به ایران کوچانده شدند و اطراف مشهد و اسفراین سکنی گزیدند و بنیانگذار نان بربری در دوره قاجاری بودند که این نان را در شهرهای دیگر هم رونق دادند که در کابل به نام نان پنجه کش معروف است از طوایف مهم خاوری‌ها جانموری‌ها - دای زنگی‌ها - کندی‌ها - یهسودها - و وارگانی‌ها هستند.

اقدس خاوری فرزند محمد صادق متولد ۱۳۰۱/۰۲/۲۱ ش نام مادر موجول. بتول رضایی از قشقای‌های شیراز متوفی ۱۳۱۲ ش با نام مستعار پروانه موجول همسرش از شیخ الاسلام‌های قزوین بود که به شغل خیاطی اشتغال داشت پروانه در اثر بیماری سل در سن ۲۴ سالگی ۱۳۱۲ ش فوت می‌کند که پس از طلاق معشوقه حبیب میکده دوست صمیمی شهریار بوده که در سال ۱۳۰۳ ش خودکشی میکند با توجه به تاریخ تولد اقدس خاوری ۱۳۰۱ و فوت بتول رضایی ۱۳۱۲ ش در سن ۲۴ سالگی بسیار دور از ذهن است که اقدس خاوری فرزند ایشان باشد. بتول رضایی پروانه موجول ۱۱ صفحه گرامافون در سال ۱۳۰۶ به ضبط رسیده که آثار ایشان است و اولین کسی است که با ساز سه تار نواخته و خوانده و ضبط رسانده است.

شهریار می‌گوید:

وا حد تا به مرگ حبیبی به روزگار

چون او گلی نداشت اگر صد بهار کرد

آوخ که شمع بزم محبت حبیب مرد

پروانه را بلاکش شهبای تار کرد.

دوره قاجاریه ۴ صفحه در راست پنجگاه با تار میرزا اسدالله خان ۱۲۸۴ ش در تهران به ضبط رسانده است و تنها سند آواز پنجگاه در دوره قاجاریه است.

نکته آن که در هنر تعزیه خوانی امام خوان کسی است که تمام آوازها از جمله راست پنجگاه را بداند که سید احمد خان در تکیه دولت به نقش امام خوان ایفای نقش می‌کرده و اساتید بزرگی چون علی‌خان نایب‌السلطنه عبدالله دوامی ابراهیم بوذری هنر او را ستوده اند، و چگونه است که جناب میرزا حسینقلی با آن دقت نظر و سختگیری در نواخت ساز با ایشان صفحه پر کرده است و در همان موقع خوانندگان دیگر هم بوده اند که آثارشان در پنج دوره ضبط قاجاری به ضبط رسیده است. سید احمد خان ریاست دارالایتم (پرورشگاه) و (دارالعجزا - بهزیستی) را به عهده دارد در تهران بوده و مدت کمی هم شهردار تهران بوده است. توضیح آنکه پس از ضبط صفحات پاریس و بازگشت به ایران به دلیل آغاز جنگ‌های داخلی دوره استبداد صغیر صفحات به ایران نمی‌رسد و سید احمد خان از هامبارسوم تاجر مسیحی و سرمایه‌گذار به دادگاه شکایت می‌کند اما هامبارسوم روسی الاصل بوده و به دلیل وجود قانون کاپیتولاسیون رو به جایی نمی‌برد. و سید احمد خان برای همیشه از گردونه ضبط خارج میشود. در واقع سید احمد خان اولین قربانی هنر موسیقی در قانون کاپیتولاسیون است توضیح آنکه قانون کاپیتولاسیون اولین بار در زمان فتحعلی شاه قاجار به روس‌ها داده شده و سپس در سال ۱۳۴۱ در زمان نخست وزیر علی منصور به آمریکایی‌ها داده شده که پس از انقلاب اسلامی منسوخ اعلام شد.



سید حسین طاهرزاده ۱۳۳۴ - ۱۲۶۱ ش

از سید حسین طاهرزاده توپسرکانی ۲ دوره ضبط صفحه موجود است ضبط لندن ۸۵ روی صفحه با تار درویش خان - کمانچه باقرخان - ویلن حسین خان هنگ آفرین - تار و سنتور میرزا اسدالله خان - فلوت اکبر خان - پیانو مشیر همایون - در این ضبط لندن - تصنیف بیات اصفهان ویلن حسین خان - تصنیف شهناز با تار درویش خان و همراهی رضا قلی خان - تصنیف بیات



چرا سازها را شکستید؟!

محمد رضا ممتاز واحد

حقوقی برای دانشجویان موسیقی باقی خواهد گذاشت؛ سؤال اصلی راقم این سطور این است که، چرا سازها را شکستید؟! فرض بگیریم که نه همه‌ی دانشجویان خانم بلکه چند دانشجوی محترم خانم حجاب نداشته‌اند، این چه ربطی به سازهایشان دارد؟ هدف واحد حراست دانشگاه تهران از شکستن ساز دانشجویان چه بوده است؟ پُر واضح است که هدف خشم و خشونت واحد حراست دانشگاه مذکور نه تنها دانشجویان و استادان بلکه دقیقاً متوجه‌ی خود موسیقی بوده و شکستن ساز دانشجویان، مصداق بارز توهین و اهانت به ساحت مقدس موسیقی است. تداوم این گونه رفتارهای نادرست حال به هر تعبیری که می‌خواهند عنوان کنند (تذکر، هشدار و یا زهرچشم!) حتماً به منفعت و مصلحت کشور نخواهد بود همان گونه که در سال‌های فعالیت گشت ارشاد اتفاقات بسیاری افتاد ولی آن اتفاق مهم در شهریور ۱۴۰۱، یک کشور را چنان تحت الشعاع قرار داد که دیدیم و دیدید که پس از حدود ده ماه، علی‌رغم عادی‌سازی‌های صورت گرفته، اما به هیچ وجه به شرایط قبل شهریور ۱۴۰۱ بازنگشته‌ایم.

بدانید و بدانند که موسیقی با این گونه رفتارها نه تنها خفیف بلکه به مراتب عزیزتر می‌شود. همان گونه که در این چهل و اندی سال و با اعمال تمام نگاه‌های سلیبی به این هنر، موسیقی هر روز عزیز و عزیزتر و به عنوان یک سلاح و یک رسانه‌ی مجزا، همراه و همیار مردم ایران بوده، هست و خواهد بود.

نیروهای حراست دانشگاه تهران روز شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه سال جاری با حضور در دیپارتمان نمایش و موسیقی پردیس هنرهای زیبا به بهانه‌ی پوشش دانشجویان، با آنها درگیر شدند و ساز دانشجویان را شکستند. به تبع آن، هیئت مدیره خانه موسیقی ایران و جمعی از اصحاب فرهنگ، هنر و سپهر رسانه‌ای کشور نسبت به برخورد خشونت‌طلبانه‌ی حراست دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران با دانشجویان موسیقی، واکنش نشان دادند.

آن چیز که از حوزه‌ی وظایف واحد حراست (نه تنها در دانشگاه‌ها بلکه در سایر ارگان‌ها و سازمان‌ها) می‌دانیم و می‌شناسیم، هر چه که می‌خواهد باشد، قطعاً درگیری با پرسنل نیست و تنها در زمانی که جان و مال مجموعه و پرسنل در خطر باشد، حراست اجازه ورود خواهد داشت. آنچه که بی‌حجابی یا به قول خودشان بی‌قانونی دانشجو تلقی می‌شود، نحوه‌ی رفتار با آن، قاعدتاً زد و خورد و درگیری و این گونه رفتارها نباید باشد. حتی پلیس نیز که در شاخه‌ای بسیار کلان‌تر از واحدهای حراست، آن هم در سطح کشور به فعالیت مشغول است نیز، اجازه چنین رفتاری را با شهروندان نداشته و ندارد.

حال، فارغ از این که محیط مقدسی چون دانشگاه نباید شاهد این گونه رفتارها باشد و شأنیت والای دانشجویان و استادان تحت هیچ شرایطی نایستی مورد هتک حرمت واقع شود که البته امکان پیگیری را چه از جنبه‌ی کیفری و چه از جنبه‌ی



محمد رضا ممتاز واحد

رپ؛ موسیقی اعتراضی

کوتاه در خصوص هنجارشناسی موسیقی رپ فارسی (۱)



موسیقی رپ (البته، چون سایر موسیقی‌ها)، محتوای آثار است. رپ فارسی در ایران و در طول عمر بیست و چند ساله‌اش، حاصل محتوای چندگانه‌ای بوده که برخی از این آثار - از منظر هنجاری - نه تنها بهنجار بلکه کاملاً نابهنجار با فرهنگ ایرانی است. مثلاً، آن خواننده‌ی رپ فارسی که - با عرض پوزش از ساحت مقدس قلم - سینه‌های فلان خانم بازیگر مهاجرت کرده را سوژه‌ی یکی از آثارش قرار داده بود، به کدام مراتب هنجار در محتوا نایل گشت؟ این «دیس»‌های ۲ ساخته و پرداخته شده که به منظور بی‌احترامی و حمله‌ی لفظی میان برخی از مجریان موسیقی رپ رواج پیدا کرده در کجای فرهنگ موسیقی ما ایرانیان قرار دارد؟ البته منکر ظرفیت‌های متعدد و متفاوت ژانرهای مختلف موسیقی نمی‌توان شد ولی ساخت یک آهنگ دیس، به غیر از برملا ساختن اختلاف و نزاع موجود بین دو رپر، چه نتیجه و عایدی فرهنگی‌ای به همراه دارد؟

توماج صالحی (و انگشت‌شماری دیگر) را شاید بتوان از معدود

شاید کمتر کسی فکرش را می‌کرد که چند دهه پس از سیاه‌پوستانی که با موسیقی رپ پیام اعتراضی‌شان را به گوش همگان می‌رسانند، سازوکار این نوع موسیقی به شیوه و طریقه‌ای اعتراضی بدل گردد و تعداد کثیری از نوجوانان و جوانان با موسیقی رپ، بانگ معترضان‌شان را به‌منصه‌ی شنیدار رسانند. موسیقی رپ نیز چون خود موسیقی قابلیت حل شدن در فرهنگ‌های بومی را داراست و از این روی، حدود دو دهه و اندی است که این ژانر از موسیقی در ایران - زیرزمینی یا روزمینی - به‌فعالیت مشغول است. از نکات مهم در مختصات موسیقی رپ، «فلورایم» (فلو، ریتم و رایم) است. «فلو» (Flow) طرز چینش و ادای واژگان براساس ریتم (یا به‌تعبیری، قافیه‌پردازی بر روی ریتم) است و «رایم»، چیدمان سیلاب‌های هم‌وزن و تکرارشونده را از منظر وزن مدنظر قرار می‌دهد. در این میان «دلیوری» (Delivery) به‌دلیوری» یک خواننده، نحوه‌ی بیان جملات و واژگان است که نسبت به فلورایم (گویی و سرعت بیان کلمات)، شخصی‌تر است. حال، نکته‌ی مهم‌تر در



مؤید «شیما» از هیروشیما است: «شین عشق نباشه دنیا رو بالا میارم / ی بده امانمو ببر، چه ایمانی دارم / میم مرگ رو بگیری از رگ مایه می دارم / آ رو بگیر از ماه، خودم میشم شبت، می تالم». اعتراض و دقت در اهمّ مضامین اعتراضی ۳، همراه با کلامی تأمل برانگیز و واژه‌گزینی مناسب با فرهنگ ایران و ایرانی و هرآنچه که به هنجارها نزدیک و نزدیک‌تر و از ناهنجاری‌ها دور و دورتر شود، بقای اثر را تضمین و مجری آن را نیز در نظر جامعه، مهمّ جلوه می‌دهد. این مسأله را نمی‌توان نادیده انگاشت که بسیاری از آثار موسیقی رپ فارسی و مجریان آن، در خرد جمعی اجتماع ایران حایز اهمیت نبوده و نیستند و آن دسته از آثار و مجریان که هنجارهای جامعه را شناخته و به‌فراخور آن به‌تهیه و تولید آثار اقدام می‌کنند، به‌مقبولیت اجتماعی و فرهنگی خواهند رسید.

مجریان موسیقی رپ فارسی دانست که محتوای چون سایر مباحث فنی در موسیقی رپ، در آثارشان حایز اهمیت است. به‌عنوان نمونه؛ در اثر «چوب معلم» با صدای توماج صالحی، مضامین تأمل برانگیزی را در توصیف مقام شاخ معلم می‌شنویم: «بالا ترین طبقه‌ی جامعه‌ی من شمایی / اگه ذهن انسان جهان باشه، شما خدایی / خالق، خالق فکر، دبیر اخلاق / بستری، پایه‌ی کشت، نوید افکار» و در ادامه درد معیشت اجتماعی را که معلم هم یک نفر از همین اجتماع است را یادآور می‌شود: «معلم چجوری بابا نون داد رو یاد بده؟ / وقتی سفره‌ش اونقدر نیست که نون توش جا بشه» در دیگر اثر اجرا شده توسط توماج صالحی به‌نام «هیروشیما» و در قسمت رپورز (و یا به‌تعبیری Chorus - کوروس) آهنگ، بازی ادبی جالبی صورت گرفته که حروف اول هر چهار مصراع

پی‌نوشت:

- ۱- این یادداشت - بدون کوچکترین سوگیری سیاسی - در صدد است هنجارشناسی ۱ موسیقی رپ فارسی را با تأکید بر آثار «توماج صالحی» مورد بحث و نظر قرار دهد تا تفاوت‌های هنجاری در آثار برخی از مجریان این ژانر موسیقی، تا حدی مشخص گردد.
- ۲- «هنجار» و «هنجارشناسی» از موضوعات مهمی است که در علم روانشناسی برای درک شرایط مخاطب، یافتن میزان و نوع انحراف و یافتن راهکار برای پاسخ به انحراف، جایگاه برجسته‌ای دارد. با توجه به‌مفهوم لغوی «هنجار» که معنای قاعده، مقیاس و معیار است، هنجارشناسی، نوع معیار در موضوعی را بررسی می‌کند که با شناخت معیار، میزان صحت به انجام آن (پهنجاری) یا انحراف از آن (ناپهنجاری) مشخص میشود. «پژمان فر، نرجس؛ باقری، فریبرز؛ نصرالهی، بیتا. ۱۳۹۹. هنجارشناسی بازی‌های دیجیتال با تأکید بر روانشناسی اجتماعی: مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سال ۶۳ خرداد و تیر، صص ۱۲۳-۱۳۵».
- ۳- واژه‌ی دیس بر گرفته از واژه‌ی Disrespect، به‌معنای بی‌احترامی کردن است. ترانه‌ای است که هدف اصلی آن حمله‌ی لفظی به شخصی دیگر، معمولاً یک هنرمند دیگر است. آهنگ دیس، غالباً نتیجه اختلاف و نزاع موجود میان دو نفر است. هنرمندان درگیر، ممکن است اعضای سابق یک گروه، یا هنرمندانی که از پیش با هم رقیب بوده‌اند، باشند.
- ۴- ارزش‌گذاری اعتراضی، مؤید این نکته است که اعتراض و یا حقیقت اعتراض در مضمون کلام و اثر - به‌عنوان مثال - به‌مشوق یا معشوقه تأکید دارد یا به‌رقیب عشقی و یا - مثلاً - به‌کودک کاری که از فرط کوچکی جثه‌اش، مجبور است تمام‌تنه وارد سطل آشغال شود و دیگر نتواند از آن خارج شود! و این تفاوت رویکرد اعتراضی در مضامین کلامی است.

«ترانه‌های اعتراضی»

فریبا نظری



ترانه‌ی اعتراضی چیست و در چه رخدادها و زمان‌هایی در ایران بوجود آمده است؟

شاید بتوان در تعریفی ساده و کوتاه گفت، ترانه‌ی اعتراضی بیان‌گر احساسات مشترک گروهی از انسان‌ها درباره‌ی یک رخداد، یا یک مفهوم، یا یک پدیده‌ای است که از سوی آن‌ها مورد اعتراض، شامل رد یا مطالبه؛ قرار می‌گیرد. این نوع از آثار موسیقایی می‌تواند در انواع مختلف گونه‌های موسیقی همچون کلاسیک، پاپ، رپ، جاز، محلی و بومی؛ ساخته و ارائه شود. برخی از جنبش‌های جهانی که موسیقی اعتراضی آنها را همراهی کرده است، عبارتند از:

- جنبش حق رأی زنان
- جنبش‌های کارگری
- جنبش ضد آپارتاید
- حقوق بشر
- حقوق مدنی
- جنبش ضد جنگ
- جنبش فمینیستی
- جنبش دفاع از حقوق حیوانات
- گیاه‌خواری
- کنترل تسلیحاتی
- محیط زیست

حتی برخی از انقلاب‌های سیاسی اجتماعی در جهان تولیدکننده و همراه با موسیقی‌های اعتراضی بوده است:

- فرانسه
- آمریکا
- یونان
- ایران

در اینجا قصد ندارم به بحث تفاوت موسیقی اعتراضی و ترانه‌ی اعتراضی وارد شوم و این‌که کدام‌یک بدون همراهی دیگری، وجودی مستقل دارد؛ زیرا این موضوع در تخصص نگارنده از حیث موسیقی و ادبیات و نیز مجال اندک این تحلیل اجتماعی و نگاه جامعه‌شناختی نمی‌گنجد، اما غالباً این متن ترانه است که می‌تواند نسبت به موضوع یا پدیده‌ای در جهت رد یا مطالبه، اعتراض داشته باشد و از نوعی موسیقی به عنوان ابزار نیز بهره‌برداري نماید. اگرچه در برخی مواقع بوده و هستند

موسیقی‌هایی که با الهام از یک رخداد یا مفهوم یا پدیده‌ی اعتراضی، بیان‌گر احساساتی همچون ناراحتی، خشم، شادی، دوستی، عشق و افسوس می‌باشد.

قطعه‌ی سمفونی شماره ۹ بتهوون «سرود شادی» از این دسته است. این قطعه‌ی مشهور توسط شاعر آلمانی فریدریش-شیلر به آلمانی نوشته شده بود و بتهوون در سال ۱۸۲۳ سمفونی مشهور شماره ۹ را با الهام از این شعر، بدین نام نهاد. یا ساخته‌های میکیس-تودوراکیس، آهنگ‌ساز و کنش‌گر سیاسی یونانی که عموماً ترغیب‌کننده به مقاومت و امید و عشق هستند.

و نیز سمفونی‌های ساخته‌ی مجید انتظامی موسیقی‌دان ایرانی با موضوع مقاومت، سقوط و پیروزی خرمشهر در دوران جنگ ایران و عراق که بیان‌گر احساساتی چون اندوه، خشم، شادی، و حسرت می‌باشد.

کارکردهای ترانه‌های اعتراضی:

۱- هدفمندی
 ۲- کنش گرانه و مطالبه‌گرانه
 ۳- همراهی کننده‌ی جنبش‌های اجتماعی یا سیاسی یا اقتصادی
 ۴- پیش بردگی جنبش
 ۵- معرفی به خارج از جغرافیای محدود جنبش
 ۶- ایجاد هم‌دلی با موضوع اعتراضی جنبش
 ۷- آگاهی و اطلاع‌رسانی درباره‌ی موضوع مورد اعتراض (نقد و رد یا مطالبه)
 ترانه‌ی اعتراضی در ایران در چند دوره قابل توجه و تأمل است:

- ۱- انقلاب مشروطه یا دوران مشروطیت
- ۲- انقلاب سال ۱۳۵۷ (پیش از پیروزی و پس از آن)
- ۳- جنبش سبز
- ۴- جنبش زن‌زندگی‌آزادی

برخی از این ترانه‌ها و تصنیف‌های اعتراضی و انقلابی

دوران مشروطیت عبارتند از:

- تصنیف «از خون جوانان وطن لاله دمیده»
 - تصنیف «گریه کن»
 - تصنیف «مرغ سحر»
 - تصنیف «حجاب»
 - تصنیف «دل هوس سبزه و صحرا ندارد»
- برخی از ویژگی‌های موسیقی دوران مشروطیت که به‌ویژه می‌توان آن را در آثار عارف قزوینی و درویش‌خان ملک‌الشعرای بهار، متبلور دید عبارتند از:
- ۱- گلایه و بیان ظلم و استبداد موجود
 - ۲- برانگیختن احساسات مردم معترض
 - ۳- ایجاد گفتمان ضداستبدادی، بیداری و خودآگاهی، هویت ملی، و تجددگرایی
 - ۴- غلبه‌ی نقش کلام و شعر و ترانه بر موسیقی
 - ۵- محتوای انتقادی، ضداستبدادی، ملی‌گرایانه، آزادی‌خواهانه و آرمان‌گرایانه
 - ۶- برتری لحن غمناک و تراژیک بر لحن حماسی و شورانگیز
 - ۷- روایت درد و رنج مردم این سرزمین و یاد جان‌باختگان راه آزادی
 - ۸- بهره بردن از اشعار کلاسیک
 - ۹- همراهی مجموعه‌ای از سازهای موسیقی از جمله سازهای غیرایرانی پیانو و ویولن در ساخت و اجرای تصنیف‌های اعتراضی ادامه دارد

ترانه‌های اعتراضی دوران مشروطیت:

انقلاب مشروطه بر زندگی ایرانیان تأثیر عمیقی گذاشت و شاید بتوان گفت تأثیرات فرهنگی آن، هم سنگ تأثیرات سیاسی بوده است. مشروطه و شرایط انقلابی و اعتراضی آن دوران، موسیقی را از مجالس خصوصی طبقه‌ی اشراف و درباریان، به درون جامعه و مردم عادی آورد. #عارف‌قزوینی و #درویش‌خان در این مسیر، نقشی به‌سزا و ستودنی دارند.

عارف با تصنیف‌های خود، صدای اعتراضات، مطالبات و رنج‌های مردم معترض را در مقابله با #استبداد و ستم و بی‌عدالتی؛ با موسیقی و کلام اعتراضی درآمیخت و آن چه به‌عنوان صدای انقلاب مشروطه، ساخت و عرضه نمود تا امروز نیز کارکرد اعتراضی و همراهی با جنبش‌های اجتماعی را دارد و گویی برای اکنون ساخته شده است. ترانه‌های دوران مشروطیت رابطه‌ی دوسویه و دیالکتیکی با شرایط و تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن زمان داشته و هر دو پدیده برهم تأثیرگذار بوده‌اند.

محمود #خوشنام در کتاب خود با عنوان «از نجوای سنت تا غوغای پاپ» در این خصوص می‌گوید:

«مساله مشروطیت و رابطه‌اش با موسیقی، مساله‌ای است که خیلی خوب شکافته نشده است. من معتقدم که یکی از عواملی که سبب پیروزی نسبی جنبش مشروطیت شد، رابطه تنگاتنگش با موسیقی است. یعنی در واقع موسیقی و مشروطیت با همدیگر یک رابطه همیشگی و رابطه علت و معلولی دارند و به هم یاری رسانده‌اند.»

سیری در زندگی و آثار نصرالله ناصح‌پور (۱۴۰۲-۱۳۱۹)

استاد ردیف‌های آوازی ایران



نصرالله ناصح‌پور دوم آبان ماه سال ۱۳۱۹ در محله قدیمی اونچی میدان شهر اردبیل به دنیا آمد. پدرش آقا شکور نوازنده ساز گارمان (قارمون) بود و مادرش در کنار خانه‌داری و تربیت فرزندان، ساز قوال (دایره آذری) می‌نواخت. صدای خوش، میراثی بود که ناصح‌پور از خانواده پدری به ارث برده بود.

هنرستان آزاد موسیقی ملی که ریاست آن برعهده محمدعلی امیر جاهد بود مشغول به فراگیری آواز شد. البته خود استاد شهنازی و دیگر استادان همچون حسین تهرانی هم در این هنرستان تدریس می‌کردند.

ناصرپور به مدت شش سال و چند ماه در محضر محمود کریمی، دوره متوسطه ردیف دوامی به روایت کریمی را فراگرفت. عشق به موسیقی و آموختن، او را در مسیری قرار داد که هیچگاه از آن خارج نشد و همین امر اشتیاقش را در پیمودن این راه و تعلیم، بیشتر کرد. بنابراین در محافل خصوصی هنرمندان نیز شرکت کرد تا با دیگر استادان موسیقی آشنا شود. در محفل استاد سلیمان امیرقاسمی با استادانی چون سعید هرمزی و علی اصغر بهاری آشنا شد و سپس ارتباط صمیمی تری با استاد هرمزی شکل گرفت و این ارتباط تا آخر عمر ایشان همواره ادامه داشت. در همان دوران در هر محفل و میهمانی که شرکت می‌کرد صحبت از ردیف و معلومات عمیق استاد عبدالله دوامی بود و هر بار علاقه‌اش به دیدن و شنیدن صدای آن استاد برجسته موسیقی بیشتر می‌شد و بنابراین بسیار مشتاق شد تا در محضر ایشان شاگردی کند. البته از حدود ۲۰ تا ۲۷ سالگی، موسیقی را در محضر دیگر استادان تلمذ کرد و بعد از آن، این اقبال را یافت تا ردیف دوره عالی استاد دوامی را از خودشان بیاموزد. استاد دوامی هنرمندی گوشه‌گیر بود و در آن سال‌ها در جماران زندگی می‌کرد و او توانست از طریق یکی

ناصرپور تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اردبیل گذراند و از دبیرستان صفوی اردبیل دیپلم ریاضی گرفت. او آخرین نسلی بود که به عنوان زبان خارجه فرانسه آموخت. بعد از فارغ‌التحصیلی به تهران عزیمت کرد تا ادامه تحصیل بدهد. در امتحان ورودی دانشکده افسری شرکت کرده و قبول هم شد. اما پس از مخالفت شدید مادرش از ادامه تحصیل در این رشته منصرف شده و پس از مدتی کوتاه توانست در آزمون «بانک تجارתי ایران و هلند» شرکت و در همان بانک شروع به کار کرد.

اما این آزمون و حضور در بانک تقدیر و سرنوشت دیگری در زندگی نصرالله ناصح‌پور رقم زد. آن دوران یکی از مشتریان بانک استاد علی اکبرخان شهنازی بود. در یکی از همان روزها و بعد از پایان ساعت کار، مشغول خواندن آواز برای همکاران بود که از قضا استاد شهنازی هم در حال گذر از خیابان متوجه صدای او شد و به طرف بانک آمد و او را متوجه حضورش در پشت در شیشه‌ای بانک کرد. ناصرپور جوان به سمت آن استاد رفته و گفت که بانک تعطیل است. استاد شهنازی گفت: «کار بانکی ندارم. روی صحبت‌م با خود شما است. صدایتان را شنیدم و آمده‌ام بگویم حیف است از این صدای خوب استفاده نکنید. می‌خواهم شما را به استادان ارزشمندی معرفی کنم تا موسیقی را به‌صورت جدی دنبال کنید...» و بعد آن روز و آن اتفاق خوشایند، استاد شهنازی او را به کلاس آقای محمود کریمی معرفی کرد و در



بعد از انقلاب که کانون فرهنگی و هنری چاووش تشکیل شد، کلاس‌های آواز ناصح‌پور در آنجا دایر شد و به دعوت دوستان، حسابرسی بخش مالی این کانون را هم برعهده گرفت. اما چند سال بعد که «چاووش» بسته شد کلاس‌هایش را به منزل منتقل کرد. آغاز تدریس در خانه از آذر ۶۴ بود. البته علاوه بر خانه، در مشهد، فرهنگخانه مازندران واقع در شهر ساری و بعدها هم در مکتب خانه میرزا عبدالله که لطفی پس از بازگشتش از آمریکا آن را راه‌اندازی کرده بود تدریس موسیقی را ادامه داد. حدود ۱۰ سال هم در پردیس کرج دانشگاه هنر تهران به تدریس تصانیف قدیمی و جواب آواز مشغول بود و به ندرت پیش می‌آمد کلاس‌هایش را تعطیل کند.

ناصرالله ناصح‌پور در دو آلبوم چاووش همکاری داشت. بعد از شروع حمله عراق به ایران - در شهریور ۵۹ - آلبوم «سرودهای آذربایجانی» به آهنگسازی حسین علیزاده تولید شد که سال ۶۰ به بازار آمد. هدف از تولید این آلبوم دعوت از ایرانیان به اتحاد در برابر دشمن (عراق) بود. اما نام خواننده این آلبوم «ناصری» عنوان شد و تنها در محافل خصوصی و برخی افراد خواننده آن را می‌شناختند. در واقع به لحاظ موقعیت شغلی ناصح‌پور ترجیح داد اسمش روی آلبوم نوشته نشود. بعد از آن، آلبوم «به یاد درویش خان» در آذر ۶۲ به صورت خصوصی منتشر شد؛ آلبومی به یاد ماندنی با تکنوازی سه‌تار محمد رضا لطفی و به همراهی تنبک

از دوستان، منزل استاد دوامی را پیدا کند و سرانجام روز موعود فرارسید و با چند شاخه گل رز به دیدارشان رفت و از علاقه و شوق خود به ردیف و آواز گفت و تقاضا کرد تجربیات و دانش خود را در زمینه موسیقی به او منتقل کند و او را به شاگردی بپذیرد.

ناصرالله ناصح‌پور پیش از حضور در کلاس‌های عبدالله دوامی مدت زمانی ردیف‌های سازی را به تأکید علی اکبر شهنازی در کلاس‌های او گذراند که به گفته خودش در آموزش موسیقی او بسیار تأثیرگذار بود. در واقع هم با ردیف سازی استاد شهنازی و پدرش آقا حسینقلی آشنا شد و هم با دوره متوسطه ردیف استاد دوامی به روایت محمود کریمی. البته دوره عالی ردیف دوامی را پیش خود استاد گذراند و با توجه به اینکه طی روز در بانک مشغول به کار بود، روزهای دوشنبه بعد از ظهر در کلاس خصوصی استاد شرکت و با جدیت تمام کار را دنبال کرد تا اینکه موفق به جلب رضایت کامل استاد و دریافت دستخط به جای مدرک تحصیلی از ایشان شد با این مضمون که تمامی دوره عالی ردیف آوازی را فراگرفته است.

ناصرالله ناصح‌پور علاوه بر سال‌ها تلمذ و تحقیق در محضر استادان بزرگ، یکی از چهره‌های درخشان کانون چاووش هم بود، مرکزی که علاوه بر دارا بودن جایگاه اجتماعی مهم، توانست تحول و پیشرفت بسزایی در زمینه موسیقی سنتی ایران به وجود آورد.



جلسه هیئت مدیره خوانندگان سنتی

از راست: مظفر شفیی، حمیدرضا نوربخش، نصرالله ناصح پور، هنگامه اخوان

کرد با اشعار و تحریرهای جدید بازسازی کند. از دیگر آثار ماندگار استاد ناصح پور، پژوهش در زمینه موسیقی قدیم ایران است. ناصح پور شرح مفصلی بر بخش موسیقی رساله دره التاج علامه قطب‌الدین شیرازی نوشته است. این کتاب یک دانشنامه بزرگ درباره تمام علوم مطرح در ایران آن زمان است و دارای بخش‌های مختلفی بوده و موسیقی به‌عنوان فن چهارم بخش ریاضی این دانشنامه مورد بررسی علامه قرار گرفته شده است.

ناصر فرهنگ‌فر. خواننده تصنیف «ز من نگارم» در آن آلبوم هم ناصح‌پور بود و در ابتدا نام خواننده عنوان نشده بود اما بعدها که این آلبوم بازنشر شد اسم او هم به‌عنوان خواننده تصنیف درج گردید. «سرودهای آذربایجانی» و «به یاد درویش خان» دو اثری بودند که در دوران چاووش منتشر شدند که بسیار مورد توجه قرار گرفتند. البته پس از بازگشت لطفی از آمریکا در آلبوم دیگری به‌نام «به یاد نورعلی خان برومند» ناصح‌پور آواز خواند. در این آلبوم تعدادی از اعضای قدیمی گروه شیدا و هنرمندان جوان تری حضور داشتند با عنوان «گروه هم‌نوازان شیدا» و سرپرست آن گروه هم لطفی بود. این آلبوم در دستگاه شور اجرا شد و اجرای دو تصنیف «شنیدم شاهی و هم ماهی» ساخته علی اکبر شیدا و «چه شورها» ساخته عارف قزوینی برعهده او بود.

ناصر ناصح‌پور دانش موسیقایی خود را بیشتر از هر استاد دیگری، وامدار عبدالله دوامی می‌داند و این شیوه را با جان و دل حفظ کرد و اشاعه داد. آن زمان که در هنرستان‌های چاووش و چنگ به کار تدریس مشغول بود، ردیف استاد عبدالله دوامی را آموزش می‌داد. اما بعد از بازنشستگی، یعنی از سال ۶۸ به بعد، آرام آرام تلاش کرد ردیف و شیوه آموزشی خودش را تکوین کرده و تدریس کند، شیوه‌ای بر اساس ردیف‌های استادان قدیمی چون ردیف آفاح‌سینقلی و میرزا عبدالله و مخصوصاً ردیف استاد عبدالله دوامی و البته همراه با گوشه‌های جدید مانند «نوروز صبا» یا «عزال» که به ردیف استاد دوامی اضافه کرد. بسیاری از گوشه‌ها را هم سعی

سازندگان ساز از خانه موسیقی گواهینامه هنری دریافت می کنند



در فصل بهار دو جلسه ارزشیابی برای تعدادی از سازندگان ساز برپا شده و با حضور شورای ارزشیابی و نوازنده‌های متبحر در نوازندگی هر ساز تعدادی از سازندگان ساز موفق به دریافت این گواهینامه هنری شده اند. لازم به ذکر است این جلسات به صورت مستمر ادامه خواهد داشت.

از ابتدای فروردین ماه سال ۱۴۰۲ به همت خانه موسیقی ایران تصمیم بر آن شد سازندگان ساز "گواهینامه هنری صلاحیت ساخت ساز" دریافت کنند. برای این منظور شورای هنری سه نفره تشکیل شد تا مهارت سازندگان ساز برای ساخت انواع ساز را ارزیابی کنند. در تاریخ ۱۹ فروردین اعطای این گواهینامه هنری رسمی به صورت عمومی اطلاع رسانی شد و اعلام شد با همراهی صندوق اعتباری هنر، زین پس سازندگان ساز که موفق به کسب رتبه مورد تایید شورای ارزشیابی سازندگان ساز در خانه موسیقی ایران قرار گیرند می توانند گواهینامه هنری صلاحیت ساخت ساز را دریافت می کنند. این گواهی نامه هنری در ۵ سطح درجه بندی شده و بنا بر امتیاز بندی شورای ارزشیابی، سازندگان ساز گواهینامه هنری خود را دریافت می کنند.



"روز جهانی موسیقی مبارک"

۲۱ ژوئن، آخرین روز بهار مصادف با بلندترین روز سال، روز موسیقی یا به عبارتی روز جهانی موزیک (world music day) نامیده می شود. هدف روز جهانی موسیقی هدف از نامگذاری روز جهانی موسیقی ترویج صلح و آرامش و اجرای موسیقی با کیفیت برای همه مردم است. تاریخچه روز جهانی موسیقی اولین بار فردی به نام لرد منوهین (Lord Yehudi Menuhin)، نوازنده حرفه‌ای و اسطوره‌ای ویولن به شورای بین‌المللی موسیقی پیشنهاد بزرگداشت موسیقی در روزی جهانی را داد. شورای بین‌المللی موسیقی (International Music Council) توسط سازمان یونسکو در سال ۱۹۴۹ میلادی بنیان گذاشته شده است و هدف آن ترویج موسیقی و پذیرش گوناگونی هنر موسیقی در جهان است. تاریخ روز جهانی موسیقی هر سال ۲۱ ژوئن روز جهانی موسیقی است.

هدف از نامگذاری روز جهانی موسیقی ترویج صلح و آرامش و اجرای موسیقی با کیفیت برای همه مردم است. تاریخچه روز جهانی موسیقی اولین بار فردی به نام لرد منوهین (Lord Yehudi Menuhin)، نوازنده حرفه‌ای و اسطوره‌ای ویولن به شورای بین‌المللی موسیقی پیشنهاد بزرگداشت موسیقی در روزی جهانی را داد. شورای بین‌المللی موسیقی (International Music Council) توسط سازمان یونسکو در سال ۱۹۴۹ میلادی بنیان گذاشته شده است و هدف آن ترویج موسیقی و پذیرش گوناگونی هنر موسیقی در جهان است.



یاد و خاطره

من با ناصر پور عزیز اوایل دهه ۵۰ آشنا شدم و اتفاقا کسی که ما را به هم معرفی کرد محمدرضا لطفی بود که یادش گرامی باد... ما جمعی سه نفره شدیم و به دلیل اینکه استاد ناصر پور آذری زبان بود و من هم رگ و ریشه آذری داشتم چون پدرم آذری بود و از آنجا که خوانندگان آذری ردیف و آواز را با شور و حال خاصی اجرا می‌کنند دوست داشتم با ناصر پور کار مشترکی انجام بدهم و خوشبختانه در سال ۱۳۶۲ اثری ساختیم که یادگار خوبی است.

ناصر پور با تمام سختی‌هایی که بود کلاسش را هرگز ترک نکرد و با طراوت تمام آواز می‌خواند و تدریس می‌کرد؛ البته نقش استاد دوامی در شکل‌گیری شخصیت هنری ناصر پور خیلی مهم بود... در اوایل دهه پنجاه که کسی استاد دوامی را نمی‌شناخت ناصر پور شاگرد اولش بود. یادم هست که لطفی می‌گفت برویم ببینی فلان گوشه را ناصر پور چگونه می‌خواند... و واقعا چیزی که خیلی جالب بود این بود که آواز ناصر پور هیچگاه غمگین و محزون نبود، نکته‌ای که آواز ایرانی خیلی به آن نیاز دارد. چرا که وقتی ما اینهمه ادبیات غنی را در آواز به کار می‌بریم لازم نیست که آن را با لحن غمگین و پژمرده استفاده کنیم. در پایان باید بگوییم ضمن اینکه غم بزرگی دارم ته دلم یک شادی دارم که می‌گویم ناصر پور هر کاری را که باید می‌کرد انجام داد و خرسند از این دنیا رفت.



حسین علیزاده

افسانه عمرم آورد خواب/عمری که نبود، خواب دیدم/در سیل گذشت روزگاران/امواج به پیچ و تاب دیدم/از عشق و جوانی ام چه پرسی/من دسته گلی بر آب دیدم/دل بدرقه با نگاه حسرت...

بیش از چهل و پنج سال ازدوستی من با شادروان ناصر پور می‌گذرد؛ خاطرات زیادی با این استاد عزیز دارم... چندین سال پیش در دانشگاه هنر کرج برای استاد ناصر پور بزرگداشتی برگزار کرده بودند و من در آنجا موضوعی را مطرح کردم؛ در آنجا من کلمه تقوا را در باره آقای ناصر پور به کار بردم و توضیح دادم... ما همه فکر می‌کنیم تقوا یک واژه‌ی دینی است در حالی که تقوا یک واژه‌ی اخلاقی است یک ویژگی که در جامعه باید جاری و ساری باشد. زنده یاد ناصر پور در زمینه‌ی کاری اش انسانی با اخلاق و با تقوا بود؛ ولی متأسفانه امروز این موضوع در فضای هنری ما کم‌رنگ شده است.



هنرمندانی بودند که حاضر نبودند به هر قیمتی در هر جایی برنامه اجرا کنند و یا به هر قیمتی به هر جایی بروند و... مواردی از این دست... ناصر پور از این دست هنرمندان بود که هیچ وقت به اصطلاح نان به نرخ روز نخورد و هیچگاه هنرش را به معرض نمایش نگذاشت.

هنرمند کسی است که در زندگی اش سعی بکند با همان اخلاق و با همان تقوا هنرش را ارائه بدهد و ناصر پور اینگونه بود. درگذشت این استاد با اخلاق و با تقوی ضایعه‌ای اسفناک بود برای فرهنگ و هنر ایران /یادش گرامی باد و نامش جاودان

داریوش پیرنیاکان

دردا که درین زمانه پر غم و درد/غنا که درین دایره غم پرورد/هر روز فراق دوستی باید دید/هر لحظه وداع همدمی باید کرد
من استاد ناصر پور را قریب به سی سال است که می‌شناسم و بویژه از زمان تاسیس خانه موسیقی که حدود بیست و دو سه سال پیش بوده تا همین یکی دو سال پیش که استاد هنوز دچار بیماری نشده بود تقریباً هر روز در خدمتشان بودم و این از بخت یاری من بود.
استاد ناصر پور یگانه‌ی آواز و ردیفدانی ارزشمند در عصر ما بود در واقع او از معدود راویان ردیف عبدالله دوامی و یکی از مدرسان میرز ردیف آوازی بود که علاوه بر اشراف به ردیف دوامی از دیگر بزرگان ردیفدان مقدم هم بهره داشت و با درک و دریافت خودش به تدریس ردیف می‌پرداخت.



یکی از افسوس‌ها و دریغ‌های من این است که علیرغم اصرارم برای ضبط محفوظات و ردیف‌های آوازی، ایشان به علت مشغله‌ها و گرفتاری‌ها فرصت نکرد تا به این امر مهم بپردازد و قطعاً این میراث ارزشمند نزد شاگردانش موجود است و امیدوارم به همت فرزندان و شاگردانش این امر محقق شود.
اما یک نکته‌ی مهم دیگر در باره‌ی استاد ناصر پور این است که ورای کارهای هنری و آموزش و تدریس آواز، ایشان دغدغه‌ی صنفی داشت و همواره در صدد حل مسائل و مشکلات هنرمندان بود و به محض شنیدن خبری مبنی بر لغو کنسرت یا مسایلی از این دست بلافاصله به خانه موسیقی می‌آمد و می‌گفت ما باید کاری بکنیم و مدام در حال پیگیری اینگونه مسائل بود. روحش شاد یادش گرامی

حمیدرضا نوربخش

آشنایی من با استاد نصرالله ناصح‌پور برمی‌گردد به سال ۱۳۵۹ در کانون فرهنگی و هنری چاووش. البته آشنایی من با چاووش و چاووشیان برمی‌گردد به سال‌های قبل از انقلاب. من با اکثر اعضای این کانون آشنایی و رفاقت داشته و دارم. آن دوران آقایان ناصح‌پور و شجریان و ناظری در کانون تازه تأسیس شده فرهنگی و هنری چاووش مدرسین آواز بودند. در ابتدای ورود به کانون در کلاس آقای شجریان برای مدت زمان کوتاهی شرکت کردم اما بعد از مدتی به دلیل رفتن و کناره‌گیری آقای شجریان از این کانون، به پیشنهاد آقای محمدرضا لطفی در کلاس‌های آقای ناصح‌پور شرکت کردم. حضور در کلاس‌های آقای ناصح‌پور به مدت ۵ سال تا زمان تعطیلی و پلمب شدن کانون چاووش استمرار پیدا کرد. یعنی در حقیقت از سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴. آلبوم «به یاد طاهرزاده» به سرپرستی محمدرضا لطفی هم حاصل همین دوران است. آقای ناصح‌پور یکی از شاگردان آقای دوامی بودند که ردیف‌های آن استاد را تدریس می‌کردند. یاد و خاطره‌شان برای من بسیار گرامی است. فقدان این استاد ارجمند را به جامعه موسیقی و خانواده محترمشان تسلیت می‌گویم.



صدیق تعریف

آشنایی من با استاد نصرالله ناصح‌پور به سال ۵۴ برمی‌گردد، آن زمان به تازگی جذب گروه شیدا شده بودم و این ارتباط و دوستی شکل گرفت، البته پیش از آن در رادیو فعالیت داشتم و نام شریف آقای ناصح‌پور را از آقای لطفی شنیده بودم. زنده یاد لطفی از دوستان و یاران قدیمی آقای ناصح‌پور بود. تا آنکه واقعه ۱۷ شهریوردرسال ۵۷ رخ داد و بسیاری از هنرمندان از رادیو استعفا دادند و گروه شیدا فعالیت پنهانی خود را در منزل استاد لطفی ادامه داد و آثار بسیار درخشان و ماندگاری ساخته شد. بعد از انقلاب آقای لطفی با همراهی دوستانی چون آقای هوشنگ ابتهاج کانون چاووش را تشکیل دادند. استاد ناصح‌پور در کانون چاووش حضور بسیار پررنگی داشت و به دلیل اینکه از کارمندان عالی رتبه بانک بود و عشق به فرهنگ و هنر ایران و همچنین دوستی قدیمی با آقای لطفی داشت، بدون دریافت وجهی انجام کارهای حسابداری چاووش را برعهده گرفت و بعد از آن آرام آرام کلاس‌های آموزشی در چاووش تشکیل شد و من به تدریس کمانچه و آقای لطفی تار و آقایان شجریان، ناظری و ناصح‌پور آواز تدریس کردند. استاد ناصح‌پور طی سال‌ها فعالیت هنری خود با مهر و عشق به تربیت شاگردان بسیاری پرداخته است، اگرچه بعد از تعطیلی کانون چاووش این ارتباطها کمتر و کم‌رنگ شد اما خاطرات خوش آن دوران پر مهر و هنرمندان نازنینی همچون استاد ناصح‌پور را فراموش نخواهیم کرد و برایشان آرزوی سلامتی دارم.



هادی منتظری

بیش از ۳۰ سال افتخار شاگردی در محضر استاد نصرالله ناصح‌پور را داشته‌ام و از قدیمی‌ترین شاگردان استاد هستم که توانسته‌ام سه دوره ردیف آوازی ابتدایی، متوسطه و عالی را نزدشان بیاموزم و درپایان کار مفتخر و موفق به دریافت دست خط از آقای ناصح‌پور شده‌ام با این عنوان که ردیف عالی به‌طور کامل گذرانده شده است. استاد ناصح‌پور در کنار اخلاق حرفه‌ای و بزرگ منشی که در زندگی شخصی شاگردانش بسیار تأثیرگذار بود، در آموزش موسیقی بسیار جدی و سختگیر بودند و به هیچ عنوان اجازه نمی‌دادند هنرجو روش تدریس را ضبط کند چرا که براین نظر بود ضبط مباحث آموزشی بر سر کلاس توجه هنرجو را کمتر می‌کند و نمی‌تواند مفاهیم درسی را بدرستی متوجه شود و همین امر موجب شد ردیف‌های آقای ناصح‌پور را هیچ‌گاه فراموش نکنیم و در ذهنمان ثبت شود. اما نکته‌ای که باید در هنرو بخصوص در موسیقی آوازی به آن توجه شود نقش تأثیرگذار استادان و مدرسین در تربیت خواننده است اما متأسفانه در بین هنرمندان بیشتر مجری‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند و جامعه هنری به استادان و مدرسان بزرگی همچون آقای ناصح‌پور بی‌مهری و بی‌توجهی داشته‌اند و می‌باید برای چنین معلمان بزرگی، بزرگداشت‌های بیشتری برگزار می‌کردند و قدر و منزلت آنها بیشتر نگاه داشته شود. من این افتخار را داشته‌ام به غیر از آموزش ردیف استاد دوامی، مرکب خوانی و اوزان شعر و موسیقی را هم در محضر استاد ناصح‌پور تلمذ کنم و از وجود ایشان بهره‌های بسیاری برده‌ام و وجودشان برای من غنیمت و دوست داشتنی است و برایشان آرزوی سلامتی دارم.



محمد ملاآقایی روزبهانی



امی خدادادی*

موسیقی درمانی



هدف

موسیقی درمانی می‌تواند کیفیت زندگی افراد را در عرصه‌های مختلف بالا ببرد و فضای مثبتی برای رشد و موقعیت فردی شان به وجود آورد. موسیقی به کودکان و بزرگسالانی که نمی‌توانند با محیط بیرون ارتباط درستی داشته باشند کمک می‌کند تا مهارت‌های لازم را به دست بیاورند، ولی اولین مرحله موسیقی درمانی، پذیرش شرایط و مراحل درمانی است، چرا که اگر در ابتدا، درمان را قبول نکنند هر چقدر هم که درمانگر کار خود را به نحو احسن انجام دهد کار به درستی پیش نخواهد رفت. افرادی که به علت بیماری منزوی شده‌اند، از طریق موسیقی درمانی می‌توانند برای خود یک وسیله ارتباط با دنیای بیرون به وجود بیاورند. کسب موفقیت در فعالیت‌های موسیقایی نیز می‌تواند اعتماد به نفس در این افراد را بیشتر کند.

درمانگر

موسیقی درمانی توسط هر فردی امکان پذیر نیست به افراد متخصصی که در زمینه‌های مختلف اعم از موسیقی، شاخه‌های درمانی، بیماری‌های مختلف و درمان آنها آموزش دیده باشند، نیازمند است. درمانگر باید یک پداگوگ، آسیب شناس، جامعه شناس و روان شناس باشد و کارکرد صحیح اجزای بدن انسان را بداند. به روز بودن اطلاعات نکته بسیار مهمی است که هر درمانگر باید به آن واقف باشد. او علاوه بر اینکه یک متخصص موسیقی است باید محقق و پژوهشگر هم باشد، حالات جسمی و روحی فرد بیمار را بشناسد و آنها را از نظر احساسات، هیجانات، نوع بیماری، هوش، روابط اجتماعی و روابط خانوادگی مورد ارزیابی قرار دهد

موسیقی از ابتدای آفرینش وجود داشته و انسان از این پدیده در موارد مختلف مانند، مراسم قبیله، مذهبی، اعیاد، مراسم اجتماعی و.. استفاده می‌کرده است فعالیت‌های موسیقی در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف از اهمیت زیادی برخوردار بوده تا جایی که به عنوان یک واحد درسی برای کودکان در نظر گرفته شده است.

اگر به این باور رسیده باشیم که موسیقی یک علم است، این را نیز باید قبول کنیم که این علم آنقدر پیچیده است که نیاز به تحقیق، آموزش، تجربه و فداکاری بسیار زیادی دارد از گذشته تا به حال تحقیقات فراوانی در زمینه موسیقی صورت گرفته است و پیشرفت‌هایش تاثیرات چشمگیری بر زندگی انسان‌ها داشته، تا آنجا که علم و طبیی جداگانه از موسیقی به وجود آمده است.

افلاطون نیز بر تاثیرات موسیقی بر روی انسان تاکید داشته است و می‌گوید که موسیقی برای پرورش ذوق و تلطیف روح انسان بسیار ضروری است.

اکثر بیماری‌ها نتیجه عدم هماهنگی در وجود فرد است و موسیقی با قدرت‌های بی نظیر خود می‌تواند با برگرداندن نظم در بدن، سلامتی را به فرد بازگرداند در این بین، اصوات موسیقایی، نقش عمده‌ای در بهبودی روحیات و عواطف انسانی دارند.

موسیقی درمانی می‌تواند روشی مکمل در درمان پزشکی باشد که البته باید زیر نظر پرسنل آموزش دیده صورت گیرد در موسیقی درمانی، ابتدا باید علت بیماری، شرایط بیماری و شدت بیماری تشخیص داده شود و سپس متخصصین وارد عمل شوند. هر بیمار باید به صورت مجزا تحت درمان باشد و از موسیقی که برایش در نظر گرفته شده استفاده کند.



یکسان نیست می‌تواند مشکلاتی را که از اختلالهای هیجانی سرچشمه می‌گیرند تشخیص دهد و روش‌های موثر را در پیش بگیرد. ارتباط عاطفی درست در سالهای ابتدایی زندگی افراد در خانواده و بعد از آن در مدرسه و اجتماع نقش بسیار مهمی در رفتارها ایجاد می‌کند و اگر این ارتباطها به درستی صورت نگیرند نقص‌های زیادی را در رفتارهای کودک به وجود می‌آورد مخصوصاً اگر از کودکان آسیب پذیری باشند.

درمانگر باید با کمک خانواده‌ها بفهمد چه رفتاری باعث پیدایش مشکلات هیجانی در این گونه افراد میشود تا پیشگیری‌های لازم صورت بگیرد و از گرفتار شدن در اختلالات هیجانی در امان باشند زیرا اگر در کودکی این اختلالات مورد بررسی قرار نگیرند در بزرگسالی خطرات بیشتری را به همراه خواهد داشت خود درمانگر نیز باید از لحاظ رفتارهای عاطفی و اجتماعی سالم باشد چرا که از معلم مضطرب، نمی‌توان تربیت فرد سالم را انتظار داشت.

فواید موسیقی درمانی

موسیقی محرک کننده قسمت‌های مختلفی از مغز است دانشمندان طی تحقیقات فراوان متوجه شدند که مغز تحت تاثیر اصوات قرار دارد و پیامدهای مثبت و منفی بر روی رفتارهای انسان می‌گذارد و بار هیجانی و عاطفی دارد.

تا بتواند موسیقی مناسب را به کار گیرد و اضطراب و تنش را در طول پروسه‌های درمانی کاهش دهد درمانگر باید با انجام دادن آزمایش‌های مختلف تشخیص دهد که آیا افراد بیمار به موسیقی علاقه‌ای نشان می‌دهند یا خیر؟ زیرا اگر علاقه‌ای نداشته باشند موسیقی درمانی به آنها کمکی نخواهد کرد او باید حس امنیت را به افراد مورد درمان بدهد نیازهای این افراد را بشناسد، تحقیق کند و رفتارهایشان را مورد بررسی قرار دهد و در تمام مراحل، همه چیز را ثبت کند و روند بهبودی را مورد بررسی قرار دهد مثلاً اگر افراد در برقراری ارتباط با دیگران ضعیف هستند، درمانگر می‌تواند از طریق موسیقی گروهی این ضعفها را بهبود بخشد و به آنها کمک کند.

درمانگر باید بداند که نباید در برقراری ارتباط با افراد و انتخاب آلات موسیقی عجله کند باید آنها را آزاد بگذارد تا خودشان انتخاب کنند و واکنش‌های افراد را مدام زیر نظر داشته باشد و رفتار آنها را نکته برداری کند تا از این طریق به بهترین راهکار دست یابد. اطلاعات درمانگر باید بالا باشد و مدام خود را به روز کند، آزادی و رعایت عدل و انصاف، بی طرفی در قضاوت، عشق و متانت و محبت به کودکان، صبر و حوصله زیاد، دقت و سرعت فهم و انتقال، ظاهر خوشایند، انعطاف پذیری، مهارت کامل در تدریس از عوامل بسیار مهمی است که باعث می‌شود درمانگر در کار خود با کودکان و بزرگسالان، موفق عمل کند. اگر درمانگر بداند که رفتارهای هیجانی در همه مردم



برد و حواس را تحریک نمود، بیشترین تاثیرش زمانی است که خود شخص لذت اجرای موسیقی را تجربه کند. اجرای موسیقی اعتماد به نفس را بالا می‌برد و احساس رضایت از خود، اجتماعی شدن و برقراری ارتباط با دیگران را افزایش می‌دهد.

تکنیک‌هایی در موسیقی درمانی

در موسیقی درمانی، درمانگر باید از روش‌های مختلفی استفاده کند مبتلایان به سندرم نقص اکتسابی ایمنی، افراد دچار زوال عقل و فراموشی، افراد مبتلا به اوتیسم و بیماری‌های تحلیل برنده و پیش رونده‌ی عصبی، افراد گرفتار به نارسایی تغذیه‌ای و تنش‌های عصبی، عقب ماندگان ذهنی و معلولیتی، بیماران مبتلا به تومور، مبتلایان به نقصان شنوایی و روان رنجوری، هر کدام روش‌های مختلفی دارند به طور مثال: اگر شما با فردی که کم توان ذهنی و دچار اختلالات رفتاری است روبرو شوید باید شیوه‌ی موسیقی درمانی رفتاری را برای فرد در نظر بگیرید و موارد اختلال رفتاری فرد را تشخیص و راه برخورد با آن را انتخاب کنید. نواختن سازهای ساده‌ی بادی مانند کازوما، سوت‌ها و فلوت، تنفس را تقویت می‌کند و عضلات مورد نیاز تکلم را کنترل می‌کند، حتی خواندن حروف صدا دار و هجاهای ساده و یا خواندن آوازهای مخصوص به تقلید از درمانگر به افرادی که در کلام مشکل دارند کمک می‌کند شمرده‌تر تلفظ کنند و با تمرین و پشتکار کلام خود را بهبود بخشند.

در آخر موسیقی، زبان مشترک مردم دنیاست که از طریق آن و تحت نظر متخصصین می‌توان دردها و استرس‌ها را کاهش داد و آرامش ذهنی را به افراد بازگرداند.

*کارشناس و مدرس موسیقی

فعالیت‌های موسیقی می‌تواند یک محیط ارتباطی را به وجود بیاورد و تعامل اجتماعی را تقویت کند.

*بسیاری از افراد کم توان ذهنی در ارتباط با افراد و موقعیت‌های جدید دچار مشکل می‌شوند و درمانگر از طریق موسیقی می‌تواند به این افراد کمک کند.

*با کمک موسیقی میتوان حس‌های مختلف بدن را تقویت کرد به عنوان مثال درمانگر با کمک سازهای مختلف، فعالیت‌های حسی در معلولان را تقویت می‌کند، مثلاً از طریق اصواتی که شنیده می‌شوند میتوان حس شنوایی را تحریک نمود.

اجرای زنده موسیقی، حس بینایی را تحریک می‌کند و از طریق ارتعاشاتی که قابل احساس هستند نیز می‌توان محرک لمسی را تقویت کرد.

*در توانبخشی ذهنی و جسمی و رشد مهارت‌های گفتاری، نیز می‌توان از موسیقی درمانی کمک گرفت، این امر در مورد کودکان مبتلا به اوتیسم و نیز مبتلایان به اختلال یادگیری بیشتر صدق می‌کند. زمانی که موسیقی شنیده می‌شود (البته بنا به انواع شنیداری موسیقی) مغز واکنش‌های خاصی در بدن ایجاد می‌کند گاه تنفس آرام‌تر و منظم‌تر می‌شود و گاه تندتر.

همچنین گوش دادن به موسیقی مناسب درمان، میزان هورمون‌هایی که باعث استرس می‌شوند را کاهش می‌دهد.

*موسیقی درمانی به افرادی که آسیب‌های شنوایی، بینایی، و گفتاری دارند، کمک می‌کند تا بهبود یابند، نشان دادن شروع و خاتمه‌ی اصوات با کلمه یا اشاره به آنها، تقلید الگوهای ریتمیک، تشخیص زیر و بمی فواصل اصوات با استفاده از کلام یا اشاره کردن به آنها در تقویت مهارت‌های درک شنوایی کمک فراوانی می‌کند.

*با کمک موسیقی درمانی می‌توان مهارت‌های افراد را بالا

رخدادهای خانه موسیقی ایران در فصل بهار

یکی از نگرانی‌های اعضای خانه موسیقی در فصل بهار بابت مشکلات مربوط به بیمه هنرمندان و قطع شدن آن بود. این اتفاق باعث دل نگرانی و به تبع آن بحث‌های فراوانی شد و عده‌ای تصور کردند قطع بیمه هنرمندان و اعضای خانه موسیقی در اختیار این خانه است. خانه موسیقی در این مورد مطلبی به شرح زیر منتشر کرد:

شنیدن خبرهایی در باب مشکلات و هتک حرمت دانشجویان بی تردید مایه تاسف است و در دراز مدت قطعاً نتایج زیان باری در پی خواهد داشت.

خانه موسیقی ایران بعد از شنیدن این خبر تلخ بیانیه‌ای به شرح زیر منتشر کرد:



در جلسه هیئت مدیره خانه موسیقی در روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه، اعضا هیئت مدیره به برخورد خشونت طلبانه حراست دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران که منجر به شکستن ساز یکی از دانشجویان و آسیب‌های روحی و جسمی تعدادی دیگر و همچنین هتک حرمت چند نفر از اساتید نام آشنا دانشگاه شده اعتراض کرده و مراتب ناراضی خود را اعلام کردند.

داستان لغو کنسرت‌ها از جمله داستان‌های تکراری است که در هر برهه‌ای مایه تاسف و حسرت است.

به خصوص در شرایطی که تمام مراحل قانونی اخذ مجوز اتفاق افتاده و حتی بلیت فروشی‌ها انجام شده و به یک باره در دقیقه نود یک برنامه موسیقایی به دلایل نامعلوم لغو می‌شود و نتیجه در ذهن مخاطب این است که ظاهراً مجوزها تنها کاغذ

یکی از مطالبات جدی خانه موسیقی از ابتدای تاسیس تا کنون، بیمه شدن همه هنرمندان حوزه موسیقی بوده و همواره در این زمینه از هیچ کوششی فروگذار نکرده است.



این نهاد به عنوان حامی اهالی صنف، هیچ دخالتی در قطع بیمه هنرمندان موسیقی نداشته و حتی در صورت قطع بیمه از سوی سازمان تامین اجتماعی، تمام تلاش خود را در راستای برقراری مجدد بیمه هنرمندان این حوزه بکار برده است. خوشبختانه همه اعضای متقاضی این نهاد که دارای شرایط قانونی بوده‌اند از سوی خانه موسیقی به صندوق اعتباری هنر معرفی و بیمه آنها برقرار شده است.

پس از برقراری بیمه طبق قوانین سازمان تامین اجتماعی عدم پرداخت حق بیمه از سوی بیمه شده به مدت حد اکثر سه ماه موجب قطع بیمه از سوی آن سازمان می‌گردد و خانه موسیقی و صندوق اعتباری نقشی در قطع بیمه اعضا ندارند.

لازم به ذکر است در سال‌های اخیر بسیاری از هنرمندان و اعضا خانه موسیقی که با قطع بیمه مواجه شدند به خانه موسیقی مراجعه کرده و توسط خانه موسیقی به صندوق اعتباری هنر برای برقراری مجدد بیمه معرفی شده‌اند

پاره‌هایی بی اعتبارند و بس..
از آنجایی که در فصل بهار و با رونق گرفتن بسیاری از کنسرت‌ها باز هم شاهد این اتفاق بودیم و لغو کنسرت‌ها گلایه‌های جدی به همراه داشت خانه موسیقی ایران به این موضوع واکنش نشان داد.

اعمال تضعیف کننده ی اقتدار دولت و اهانت کنندگان به کبان مردم و لطمه زندگان به ارزش‌های مادی و معنوی آنها واکنش نشان داده و عاملان ضدقانون را مورد بازخواست قرار دهند؟!
جناب آقای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
حداقل مطالبه ی هنرمندان و هزاران مخاطبی که با صرف وقت خود مبادرت به تهیه بلیت و حضور در سالن نموده اند این است که از تکرار چنین رخدادهای خسارت باری ممانعت شود و با شفافیت تمام علت چنین برخوردی را بدانند و نسبت به واکنش وزارت ارشاد به عنوان مرجع صادر کننده ی مجوز و مسئول اعتبار آن، از اقدامات آن وزارتخانه در این زمینه آگاه شوند.
آیا این خواسته ی گزافی است؟



در سال گذشته و در پی بروز بسیاری از تحولات اجتماعی بخشی از برنامه‌های خانه موسیقی برگزار نشد و در سال جدید قرار است تعدادی کارگاه آموزشی برای علاقه‌مندان برگزار شود.
از جمله اولین برنامه‌های آموزشی در سال جدید برپایی کارگاه "توانمند سازی عملکرد آوازی در خوانندگان" در خانه موسیقی ایران است.

متن منتشر شده توسط خانه موسیقی به شرح زیر است.
متاسفانه یک بار دیگر همگان شاهد بودیم که برنامه ی موسیقایی که با مشقات فراوان موفق به اخذ مجوزهای متعدد قانونی شده بود از سوی نهادهای غیر مسئول و بدون هیچ توضیح قانع کننده‌ای در آستانه ی برگزاری لغو شد.
سالهاست که برخوردهای غیرقانونی و فشارهای ایدایی از سوی ارگانها و نهادهای بی اعتنا به دستگاه‌های دولتی روح و روان هنرمندان را می‌آزارد...!
گروه‌ها یا نهادهایی که با اعمال سلیقه و بی هیچ ملاحظه ای، یک تاز بی قانونی و تشویش اذهان عمومی بوده و به هیچ مرجع و نهادی هم پاسخگو نیستند!
در جایی که اکثر هنرمندان به انحاء مختلف و به بهانه‌هایی چون رعایت نکردن آیین نامه‌های ارشاد و دیگر سازمان‌های ذی ربط و بی ربط، با تهمت قانون گریزی مورد توبیخ و ممنوع‌الکاری قرار می‌گیرند برنامه‌ای که با خون دل‌های فراوان از وزارت فرهنگ و ارشاد، اداره ی اماکن، سالن اجرا، نیروی انتظامی و... مجوز قانونی دریافت کرده است، به چشم بر هم زدنی لغو و کلیه ی مجوزهای قانونی به کاغذ پاره‌ای بی ارزش مبدل می‌شود.
آیا این حرکات و اقدامات در وهله ی اول وهن وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست؟ آیا این گونه اتفاقات تحقیر و تحمیق مردم و مخاطبان فرهیخته ی حوزه ی فرهنگ به شمار نمی‌آید؟ آخر تا کی مردم باید شاهد چنین رخدادهای تلخ و سیاه باشند؟
چرا یک بار هم نباید قوه ی قضائیه و مدعی‌العموم به اینگونه



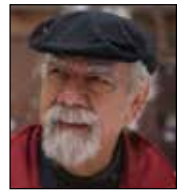
کارگاه آموزشی "توانمند سازی عملکرد آوازی در خوانندگان" با هدف یادگیری اصول حرکتی ادراکی و تقویت سیستم آواسازی و دارا بودن عملکرد آوازی صحیح در خوانندگان، طی دو جلسه و با حضور دکتر "سیروان سواره" برگزار می‌شود.
"سیروان سواره" دارای دکترای تخصصی گفتاردرمانی و پژوهشگر و درمانگر اختلالات صدا در خوانندگان است و چند سال است در این حوزه به صورت مستمر دوره‌های آموزشی را برگزار می‌کند.
کارگاه "توانمند سازی عملکرد آوازی در خوانندگان" ۱۴ و ۱۵ تیرماه ساعت ۱۶ در خانه موسیقی برگزار می‌شود.

درگذشتگان موسیقی در فصل بهار

«غلامعباس صمدی پور» از سازندگان ساز شناخته شده در فصل بهار به دلیل ایست قلبی دارفانی را وداع گفت. غلامعباس صمدی پور سالها در زمینه ساخت کمانچه فعالیت می کرد.



«نصرالله ناصح پور» خواننده پیشکسوت موسیقی و عضو سابق هیئت مدیره خانه موسیقی ایران که به دلیل عارضه مغزی در بیمارستان بستری شده بود در سن ۸۳ سالگی درگذشت.



«حسین زمان» خواننده نام آشنای موسیقی پاپ در ۲۱ اردیبهشت ماه و به دلیل بیماری دارفانی را وداع گفت.



نصرالله ناصح پور در سال ۱۳۱۹ در اردبیل به دنیا آمد و از همان دوران کودکی، در خانواده‌ای موسیقی شناس پرورش یافت. نصرالله ناصح پور، با عزیمت به تهران، بیشتر اوقات خود را مصروف فراگیری موسیقی سنتی ایران کرد و پس از آشنایی با استاد محمود کریمی، به هنرستان آزاد موسیقی ملی راه یافت و مشغول تحصیل شد.

حسین زمان یکی از خوانندگان پاپ دهه هفتاد بود که در سال ۹۸ پس از حدود ۱۷ سال دوری از صحنه، کنسرت خود را در مرکز همایش‌های برج میلاد با ارکستری سی نفره به رهبری صابر جعفری روی صحنه برد.

از جمله آلبوم‌های موسیقی او می توان به «شب دلتنگی»، «فصل آشنایی»، «قصه شب» و... اشاره کرد.

پس از تشکیل کلاس‌های مرکز حفظ و اشاعه موسیقی، از راهنمایی‌ها و آموزش و توصیه‌های ارزنده استاد نورعلی برومند بهره مند شد. وی از جلسات شناخت موسیقی و کلام و تلفیق شعر و موسیقی نیز بهره‌های فراوان جست و سپس برای فراگیری ردیف عالی موسیقی سنتی و تصنیف و ضرب آهنگ مربوط به آن، به محضر استاد عبدالله دوامی راه پیدا کرد.

«سوسن شاکرین» موزیسین و مدرس موسیقی پس از گذراندن دوره‌ای بیماری درگذشت.



«علی اکبر دلنواز» هنرمند

پیشکسوت عرصه موسیقی مقامی و آئینی خراسان رضوی در تربت جام درگذشت.



استاد «علی اکبر دلنواز» از نوازندگان چیره دست و از خوانندگان عرصه موسیقی مقامی شهرستان تربت جام بود که پس از سال‌ها تلاش و فعالیت مقام‌های برتر را در

سوسن شاکرین متولد ۱۳۳۳ تهران بود و از نوجوانی و با علاقه بسیار در دوره‌های شبانه کنسرواتوار موسیقی، آموزش گیتار و سایر دروس تخصصی را آغاز کرد و بعدها نیز به طور آزاد، آموختن را ادامه داد و در سازمان کر اپرا، کر ارکستر سمفونیک و کر تالار رودکی هم حضوری فعال داشت.

از جمله کارهای او، ساختن موسیقی متن برای نمایش رادیویی «آهسته با گل سرخ» و موسیقی برای نمایش عروسکی «ماه پیشونی» برای اجرا در جشنواره تئاتر عروسکی است.

جشنواره‌های ملی کسب کرده بود.

علی اکبر دلنواز به دلیل کهولت سن و ایست قلبی دارفانی را وداع گفت.

همچنین سوسن شاکرین برای پنج فیلم بلند سینمایی در ایران موسیقی متن ساخته است.

«منصور رحیمی» از خوانندگان

پیشکسوت و از اعضای خانه موسیقی در اردیبهشت ماه و به دلیل کهولت سن دارفانی را وداع گفت.



افسانه مه پلنگ محمدعلی سجادی، برخوردار سیروس الوند، یاد و دیدار، گل و بخاطر همه چیز - هر سه از ساخته‌های همسرش رجب محمدین - آثاری بوده‌اند که شاکرین برای آنها موسیقی متن ساخته بود.



خانه موسیقی ایران

www.iranhmusic.ir